

سیستم قطعه‌کاری همواره یکی از روشهای موثر تشدید استثمار بوده و هست. زیرا در این سیستم پرداخت دستمزد، زمان کار خود کارگر مبنای تعیین دستمزدش، یعنی ارزش نیروی کارش، قرار نمیگیرد بلکه زمان متوسط کاری که برای تولید یک حجم معین محصول در یک رشته معین از پیش تعیین شده است مبنای دستمزدش قرار میگیرد. بنا بر این سرمایه‌دار میتواند مستقل از زمان کار کارگران، ضابطه زمانی قطعه‌کاری را افزایش دهد و بدین سان یک کاهش واقعی در ارزش نیروی کارشان، یعنی در سطح معیشتشان، وارد آورد. مارکس از همین زاویه سیستم قطعه‌کاری پرداخت دستمزد را محکوم کرده میگوید :

" اکنون کمی دقیقتر خماض مشخصه قطعه‌کاری را مورد بررسی قرار میدهیم . کمیت‌کار در اینجا بوسیله خودکار کنترل میشود ، بدین معنا که در صورتیکه محصول تولید شده از مرغوبیت متوسط خوبی برخوردار باشد، دستمزد کامل پرداخت میشود. از این زاویه قطعه‌کاری بهترین منبع کاهش دستمزد و سوء استفاده سرمایه‌داران است .

از اینرو قطعه‌کاری معیار دقیقی برای تعیین شدت کار [توسط سرمایه‌داران] بدست میدهد. [در این سیستم] زمان کاری که بر حسب تجربه و وقوف قبلی در یک کمیت معین کالاها وجود دارد به مثابه زمان کار اجتماعا لازم در نظر گرفته شده و بر پایه آن [به کارگر مزد] پرداخت میشود. " ۲۶

بررسی جگونگی عملکرد سیستم قطعه‌کاری در روسیه دهه ۳۰ حکم فوق را روشنی تأیید میکند. در اوایل سال ۱۹۳۶ ضوابط (نرم‌های) کار که کارگران بر اساس آنها دستمزد دریافت میکردند در روسیه ارتقاء یافتند. در این سالها جنبش معروف به استاخونوفیسم (Stakhonovism) در روسیه بوجود آمد . استاخونوف خود یک کارگر معدن بود که توانسته بود ۱۴ برابر ضابطه تعیین شده برای کارش ذغال سنگ استخراج کند. چنین نمونه‌هایی از "پرکاری" توجیه کافی برای دولت شوروی بدست میداد تا ضوابط کار را افزایش دهد. در سال ۱۹۳۶ ضوابط کار برای همه رشته‌های صنعتی بین ۲۵ درصد تا ۵۰ درصد افزایش یافت . همین ضوابط مجدداً در سالهای ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ بار دیگر افزایش یافت . نتیجه این افزایشهای بی‌رویه این شد که در پایان این دوره حدود ۶۰ درصد از کل کارگران صنایع روسیه نتوانستند از عهده تحقق ۱۰۰ درصد ضوابط تعیین شده برای کارهایشان برآیند. ۲۷ به عبارت دیگر ۶۰

درآمد کارگران صنایع روسیه از دریافت حداقل دستمزدی که برای کارهایشان تعیین شده بود محروم گشتند. درحقیقت میتوان گفت که دستمزد واقعی کارگران (یعنی دستمزدی که با احتساب نرخ تورم و عوامل دیگر تعیین شده باشد) در طی دوره های پنجاهه اول و دوم بطور قابل توجهی کاهش یافت. دستمزد متوسط یک کارگر روسی در ۱۹۳۲ به ۴۹ درصد^{۳۸} و در سال ۱۹۳۷ به ۵۸ درصد^{۳۹} ارزش واقعی دستمزدش در ۱۹۲۸ رسیده بود. این کاهش حدی در سطح معیشت کارگر روسی، در تناقض کامل با بهبود نسبی قرار میگرفت که بطور منظم در طی دهه ۲۰ در وضعیت آنان بوجود آمده بود. در طی دهه ۲۰، ارزش واقعی دستمزد کارگران روسیه، که در طی دوران جنگ جهانی اول شدت کاهش یافته بود، بتدریج افزایش یافته و در پایان این دهه بطور متوسط ۲/۵ برابر سالهای ۱۹۲۲-۲۳ شده بود. جدول زیر موبداین ادعا است.^{۴۰}

جدول ۱۷: نمودار افزایش ارزش واقعی دستمزد کارگران روسیه در فاصله سالهای ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۹

سال	ارزش واقعی دستمزد
۱۹۱۳	۱۰۰ *
۱۹۲۲/۳	۴۷/۳
۱۹۲۳/۴	۶۹/۱
۱۹۲۴/۵	۸۵/۱
۱۹۲۵/۶	۹۶/۷
۱۹۲۶/۷	۱۰۸/۴
۱۹۲۷/۸	۱۱۱/۱
۱۹۲۸/۹	۱۱۵/۶

* در اینجا دستمزد کارگران در ۱۹۱۳ مبنای سنجش قرار گرفته است. ثروت جامعه روسیه طی سالهای ۱۹۲۷-۳۷ چندین برابر شد. درآمد ناخالص ملی روسیه که در سال ۱۹۲۸ بالغ بر ۲۴/۴ میلیارد روبل میشد در سال ۱۹۳۷ به ۹۶/۳ میلیارد روبل رسید.^{۴۱} یعنی در طی کمتر از یک دهه تقریباً ۴ برابر شد. پس چرا علیرغم این ثروتمند شدن جامعه روسیه در طی این دهه، وضع کارگران آن کشور بدتر شده بود؟ پاسخ روشن است. در روسیه همان چینی-اتفاق افتاد که در هر جامعه سرمایه داری دیگر منظمآ اتفاق می افتد: ثروت تولید شده توسط کارگران صرف بهبود وضع معیشتی خود آنان نمیشود بلکه برای انباشت بیشتر سرمایه، یعنی برای ایجاد ابزار و ادواتی که وابستگی و تنقید آنان به نظام کارمزدی را محکم تر میسازد و بدین سان به قدرت اجتماعی سرمایه می افزاید، صرف میگردد. در فاصله سالهای ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۷ نرخ سالانه کل سرمایه گذاری انجام گرفته (چه در بخش صنعت و چه در سایر بخشهای

اقتصاد کشور روسیه) از ۱۲/۵ درصد به ۲۶ درصد درآمد ناخالص ملی افزایش یافت. مشکل میتوان گفت که در هیچ کشور دیگری نرخ سالانه سرمایه گذاری توانسته باشد در عرض ۱۰ سال دو برابر شود.^{۴۲} ارزش سرمایه استوار صنایع روسیه (ماشین آلات، ساختمان، ...) در ۱۹۲۸ بالغ بر ۱۰/۳ میلیارد روبل میشد، همین رقم در سال ۱۹۳۲ به ۲۲/۶ میلیارد روبل و در سال ۱۹۳۷ به ۵۹/۹ میلیارد روبل میرسید.^{۴۳} یعنی در فاصله ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۷ ارزش سرمایه استوار صنایع روسیه حدوداً ۶۰۰ درصد افزایش یافته، در حالیکه قدرت خرید واقعی کارگران روسیه در طی همین دوره تقریباً نصف شده بود. عجب حسن تصادفی!

لغو طریقه انعقاد قرارداد جمعی: افزایش ساعات کار روزانه، افزایش شدت استثمار، از دست دادن حق برخورداری از یک دستمزد حداقل ثابت، و برهم خوردن نظم تعطیلات هفتگی، تنها عوارض صنعتی شدن سریع روسیه برای کارگر روسی نبودند. تثبیت و حاکمیت بلامنازع سیستم قطعه کاری طی این دوران عوارض دیگری نیز برای کارگر روسی به همراه داشت، و از این طریق حقوق صنفی و قانونی بیشتری از او سلب گردید. لغو حق انعقاد قرارداد جمعی یکی از این موارد بود. از سال ۱۹۱۸، کارگران روسیه از حق بستن قرارداد جمعی با کارفرما از طریق اتحادیه هایشان برخوردار شده بودند.^{۴۴} در قانون کار ۱۹۲۲ شوروی نیز این نکته تصریح شده است. این حق کارگران در سال ۱۹۳۴ لغو شد بدون آنکه حتی کنگره سراسری اتحادیه های کارگران روسیه در این مورد هیچگونه اظهار نظری کرده باشد (در حقیقت کنگره سراسری اتحادیه های کارگران روسیه در فاصله ۱۹۳۲ تا ۱۹۴۹ هرگز برگزار نشد)^{۴۵} که چه در این مورد وجه در سایر موارد مهم دیگر فرصت اظهار نظریا بسد). بطاوه قانون کار ۱۹۲۲ حق دخالت موثر اتحادیه های کارگری در تعیین میزان دستمزدها و شرایط کار را تصریح کرده بود. اتحادیه ها طی سالهای صنعتی کردن از این حقوق خود نیز محروم شدند. در تصریح این مسئله، آرژونیکیدزه (Ordzhonikidze) کمیسر صنایع سنگین خطاب به کنفرانس مدیران صنایع در ۱۹۳۴ چنین میگوید :

" بعنوان مدیر، رئیس اداره و سرکارگرا، شما شخصاً میبایست خودتان به تمام جزئیات کنکرت مسئله دستمزدها بپردازید و تصمیم گیری در این مورد بسیار مهم را به هیچ کس دیگری واگذار نکنید. تعیین دستمزدها قویترین سلاحی است که شما در دست دارید."^{۴۶}

در زمینه اخراج: بر طبق قانون ۱۵ نوامبر ۱۹۳۲، مدیران صنایع میتوانند

هرکارگری را که فقط یک روز به دلیل غیرموجه در محل کار حضور نیافته بود فوراً اخراج کنند. و این برای کارگر اخراجی در آن زمان بدین معنا بود که همزمان از حق داشتن مسکن و کارت دریافت غذا و محصولات مصرفی دیگری که بخاطر اشتغالش در بنگاه تولیدی مربوطه به او تعلق می‌گرفت محروم می‌شد. قانون مربوطه در این مورد صراحت دارد:

" هرکارگری که از حضور در محل کار حتی برای یک روز بدون دلیل کاملاً موجه امتناع کند، می‌باید از خدمت در کارخانه یا موسسه‌ای که در آن شاغل است اخراج شود و از حق استفاده از کارت غذا و محصولات که به او بماند یکی از اعضاء کارخانه یا موسسه [تولیدی] تعلق می‌گرفته محروم شود. همچنین چنین کارگری باید از حق استفاده از محل سکونت که به کارخانه یا موسسه [تولیدی] تعلق دارد، محروم شود." ۴۷

دو سال پیش از تصویب این قانون، یعنی در ۹ اکتبر ۱۹۳۰، پرداخت بیمه بیکاری به کارگرانی که در انتظار شغل جدید بودند، به کلی حذف شده بود. ۴۸ با این حساب کارگری که به این راحتی از کار اخراج می‌شد دیگر معلوم نبود چگونه می‌تواند از عهده تأمین معاش خود و خانواده‌اش در دوره انتظار برای یک شغل جدید بگذرد!

لغو حق آزادی در اشتغال شغل: ماده ۳۷ قانون کار ۱۹۲۲ تصریح می‌کرد که هیچ کارگری را نمی‌شود بدون توافق خود و از یک موسسه تولیدی به موسسه دیگر انتقال داد، و بالعکس هرکارگری از این حق برخوردار بود که محل اشتغال خود را تغییر دهد. این حق صنفی کارگران نیز در ۱۹۳۲ لغو گردید. در این سال از مدیران بنگاه‌های تولیدی خواسته شد که از استخدام کارگرانی که بدون توافق مدیر بنگاه قبلی محل اشتغالشان را ترک گفته بودند، خودداری ورزند. ۴۹

به لیست تضییقات و فشارهایی که به طبقه کارگر روسیه در طی دوران صنعتی کردن سریع آن کشور وارد آمد قطعاً می‌توان افزود، ۵۰ ولی همینقدر کافی است تا نشان دهد آنچه در طی آن سالها زیر پوشش "گذار به سوسیالیسم" توجیه می‌شد. و تا به امروز هم از طرف "اردوگاه سوسیالیسم" و هواداران آن توجیه می‌شود. چیزی بجز افزایش هرجه بیشتر بردگی مزدی کارگران روسیه، آنهم تحت شرایط معیشتی و حقوقی نازل و غیرقابل توصیفی نبوده است. این را هرکس که ریگی در کفش نداشته باشد و یا نمی‌خواهد که تجربه روسیه دهه ۳۰ را یکبار دیگر تحت عنوان "سوسیالیسم عملی" به خورد کارگران کشور خود

دهد براحتمی میتواند بفهمد .

البته در روسیه دهه ۳۰ سرمایه دگر به شیوه و شکلی متفاوت بسا روش کارگردش در دوره پیش از انقلاب اکثراً عمل میکرد . در اینجا سرمایه بجای اتکاء به مالکین و سرمایه داران خصوصی به عوامل جدیدی متکی شده بود . دولت بجای سرمایه داران منفرد مالک ابزار و وسایل تولید شده بود و کارگران آن (مدیران بنگاهها ، برنامهریزان دولتی و...) بصورت عمال جدید سرمایه درآمد بودند . این طبقه بورژوازی جدید بجای سرمایه داران سابق وظیفه حفظ و نظامت نظم اجتماعی مورد نیاز سرمایه را بعهده گرفت . در انجام این وظیفه خود بورژوازی جدید روسیه به همان اندازه بصورت تحمیل انسانی حاکمیت سرمایه درآمد که سرمایه داران خصوصی روسیه پیش از آن تحمیل انسانی سرمایه بودند . هر دو به یک اندازه به انجام یک وظیفه مشغول بودند . مارکس در این مورد میگوید :

"سرمایه دار هیچ موجودیت تاریخی جز سرمایه شخصیت یافته ندارد... ولی مادامکه او سرمایه شخصیت یافته است ، دیگر نیروی محرکه اش بدست آوردن و بهره مند شدن از ارزشهای مصرف نیست ، کاملاً برعکس نیروی محرکه او تلاش برای کسب و انباشت ارزشهای مبادله ای است . او به نحو قریبی مصمم است تا بر میزان ارزش موجود بیا فزاید ؛ در نتیجه او بدون هرگونه ترحمی نسل بشری را محسوس میسازد که برای تولید بیشتر تولید کند ... بنا بر این ، تا آنجا که اعمال او صرفاً تابعی از کارکرد سرمایه اند ، که به لطف سرمایه داری در هیئت او تجسم یافته و از آگاهی و اراده برخوردار شده - مصرف شخصی خود او نیز چیزی بیش از دست اندازی به منبع انباشت سرمایه نمیتواند بحساب آید... پس ، صرفه جویی کنید ، صرفه جویی کنید ، یعنی میبایست بخش هر چه بزرگتری از ارزش اضافه یا مازاد محصول به سرمایه تبدیل شود ؛ انباشت برای انباشت ، تولید برای تولید ..."

۵۱

در هر جامعه سرمایه داری بخشی از کل اضافه محصولی که از استثمار کارگران بدست میآید به مصرف شخصی طبقه بورژوا میرسد و مابقی آن - که بخش اصلی اش را تشکیل میدهد - برای انباشت به خود سرمایه باز میگردد . بورژوازی نوخاسته روسیه نیز ، مانند همگانش در سایر حوامع سرمایه داری جهان ، در قبال حفاظتی که از کارکرد عمومی سرمایه بعمل میآورد از قبیل استثمار کارگران روسی

بهره‌ای میبرد. براساس تخمین ترتسکی، طی سالهای ۳۰ آن ۱۵ تا ۲۰ درصد از جمعیت روسیه که به گفته او "فقط اداره میکند، دستور میدهد، فرمان میرانند، عفو و تشبیه میکند" (یعنی نظم مورد نیاز سرمایه را در جامعه حفظ میکند) همان مقدار مصرف داشت که ۸۰ تا ۸۵ درصد بقیه داشتند:

"اگر علاوه بر حقوق و کلیه خدمات غیر نقدی و نیز کلیه منافع غیر قانونی مکمل درآمد، سهم بوروکراسی و اشرافیت شوروی را از ثبات‌ها، استراحتگاه‌های فصلی، بیمارستان‌ها، آشپزخانه‌ها، ییلاق‌های باستانی، موزه‌ها، باشگاه‌ها، موسسات ورزشی و غیره و غیره را هم بحساب آوریم، آنوقت احتمالاً میتوانیم نتیجه بگیریم که ثروت مورد استفاده ۱۵ و یا فرضاً ۲۰ درصد از جمعیت کمتر از ثروتی نیست که ۸۰ تا ۸۵ درصد بقیه مورد استفاده قرار میدهند."^{۵۲}

علاوه بر تحولاتی که فوقاً به آنها اشاره کردیم حاکمیت بلامنازع سرمایه در شوروی دهه ۳۰ تحولات جدیدی را نیز در روش برخورد دولت و حزب کمونیست شوروی به مسئله ادبیات، تاریخ نگاری، هنر، خانواده، قانون، فلسفه و سایر مولفه‌های روبنایی جامعه روسیه بوجود آورد. سنن فکری قدیمی و ارتجاعی اسلاو دوستی محدد را به خود راه هر چند در شکل و شمایل جدید - به فرهنگ رسمی و مسلط جامعه باز کردند. بررسی این وجوه ایدئولوژیک موجودیست بورژوازی جدید روسیه که از اوایل دهه ۳۰ به بعد یک به یک بصورت عرفها و حتی ضوابط رسمی جامعه روسیه درآمدند از حوصله این نوشته خارج است و باید بطور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.^{۵۳} آنچه در اینجا میتوان بدان اشاره کرد این است که بورژوازی برای توجیه نظم موجود قطعاً احتیاج به یک ایدئولوژی جدید داشت تا بتواند واقعیات جامعه روسیه دهه ۳۰ را در نظر کارگران و آرونه حلوه دهد و آنچه را مغایر منافع آنان بود منافع کارگران معرفی کند. بدین منظور بورژوازی نوپای روسیه ربان، واژه‌ها و مفاهیم و مقولات مارکسیستی را با از مضمون و محتوی شان خالی کرد و تنها رسماً آنها را مورد تحریف قرار داد تا بتواند در نزد توده‌های کارگر روسیه و جهان نظم مطلوب سرمایه در روسیه را تداوم راه انقلاب اکتبر و حافظ دستاوردهای آن بنمایاند.

فهرست مأخذ

- 1- Samuel H. Baron, Plekhanov, the Father of Russian Marxism, Routledge & Kegan Paul, 1963
- 2- Edvard Bernstein, Evolutionary Socialism, Schocken, 1974
- 3- Nikolai I. Bukharin, The Politics and Economics of the Transition Period, Routledge & Kegan Paul, 1979
- 4- Nikolai I. Bukharin, Selected Writings on the State and the Transition to Socialism, Spokesman, 1982
- 5- Nikolai I. Bukharin, Historical Materialism, Russell & Russell Inc., 1965
- 6- E.H. Carr, The Bolshevik Revolution 1917-1923, Volume Two, Penguin Books, 1984
- 7- E.H. Carr, Socialism in One Country 1924-1926, Volume One, Penguin Books, 1970
- 8- E.H. Carr, R.W. Davies, Foundations of a Planned Economy 1926-1929, Volume One, The Macmillan Press Ltd., 1978
- 9- Stephan F. Cohen, Bukharin and the Bolshevik Revolution, A Political Biography, 1888-1938, Oxford University Press, 1980
- 10- Richard B. Day, Leon Trotsky and the Politics of Economic Isolation, Cambridge University Press, 1973
- 11- Richard B. Day, Trotsky and Preobrazhensky: The Troubled unity of the Left Opposition, Studies in Comparative Communism, Vol. X, Nos. 1&2, Spring/Summer 1977
- 12- Richard B. Day, Leon Trotsky on the Problem of the Smyckha and Forced Collectivization, Critique no. 13, 1981
- 13- Alexander Erlich, The Soviet Industrialization Debate, Harvard University Press, 1960

-
- 14- Donald Filtzer, Preobrazhensky and the Problem of the Soviet Transition, Critique no.9, 1978
 - 15- Alexander Greschenkron, Economic Backwardness in Historical Perspective, Harvard University Press, 1962
 - 16- David Hoffman, Bukharin's Theory of Equilibrium, Telos no.14, 1972
 - 17- K.Kautsky, Selected Political Writings, Macmillan, 1983
 - 18- Theodore H.Von Lane, Sergei Witte and the Industrialization of Russia, Columbia University Press, 1963
 - 19- V.Lenin, "On Socialist Economic Organisation" (Articles and Speeches), Progress Publishers, 1979
 - 20- Moshe Lewin, Political Undercurrents in the Soviet Economic Debate, 1973
 - 21- Paul Mattick, Marx and Keynes, The Limits of Mixed Economy, Merlin Press, 1969
 - 22- Arthur P.Mendel, Dilemmas of Progress in Tsarist Russia, Legal Marxism and Legal Populism, Harvard University Press, 1961
 - 23- Alec Nove, An Economic History of the U.S.S.R., Penguin Books, 1984
 - 24- E. Preobrazhensky, From NEP to Socialism, New Park Publication, 1962
 - 25- E. Preobrazhensky, The New Economics, Oxford University Press, 1965
 - 26- E. Preobrazhensky, The Crisis of Soviet Industrialization, M.E. Sharp, 1979
 - 27- I.I. Rubin, Essays on Marx's Theory of Value, Black Rose Books, 1975
 - 28- Massimo Salvadori, Karl Kautsky and the Socialist Revolution 1880-1938, NLB, 1979
 - 29- Nicolas Spulber (ed.), Foundations of Soviet Strategy for Economic Growth, Selected Soviet Essays 1924-1930, Indiana University Press, 1964
 - 30- L. Trotsky, Towards Capitalism or Socialism?, in The Challenge of the Left Opposition (1923-25), Pathfinder Press, 1980

یادداشتها

فصل اول

۱- Basil Dmytryshyn, USSR A Concise History, Fourth Edition, Charles Scribners' Sons, 1984

۲- Mikhail K.Reutern Quoted in "Sergei Witte and The Industrialization of Russia" by Theodore H.Von Lane, Columbia University Press, 1963

۳- همانجا، صفحه ۱۲

۴- همانجا، صفحات ۲۲ - ۲۳

۵- همانجا، صفحه ۷۶

۶- همانجا،

Alec Nove, An Economic History of the U.S.S.R., Penguin Books, 1984, p.13

۷- Theodore H. Von Lane, op.cit., p.267-8

۸- همانجا، صفحه ۲۷۰

۹- همانجا، صفحه ۲۶۹

۱۰- همانجا، Alec Nove, op. cit., p.22

۱۱- همانجا، صفحه ۲۳

۱۲- همانجا، صفحه ۱۷

۱۳- همانجا، صفحه ۱۲

۱۴- همانجا، صفحه ۱۲

۱۵- همانجا، صفحه ۱۶

۱۶- Martin McCauley, The Russian Revolution and the Soviet State 1917-1921, Documents, p.3

۱۷- همانجا، صفحه ۴

۱۸- آمار دقیق مربوط به چگونگی تمرکز پرولتاریای صنعتی روسیه در ۱۹۱۷ را بدست نیاوردیم، لیکن آمار مربوطه برای سال ۱۹۱۳ بشرح زیر است :

تعداد کارگران شاغل در بنگاه	نسبت کارگران به مثابه درصدی از کل کارگران شاغل
کمتر از ۵۰۰ نفر	۹۱/۶
از ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر	۴/۵
از ۱۰۰۱ تا ۳۰۰۰ نفر	-
از ۳۰۰۱ تا ۱۰,۰۰۰ نفر	۳/۹
بیشتر از ۱۰,۰۰۰ نفر	-

ماخذ:

G.V. Osipov (ed.), *Industry and Labour in the U.S.S.R.*, Tavistock Publications, 1966

۱۹- این رقم تقریبی است و بدین شکل محاسبه شده است: طبق آمار موجود جمعیت روسیه در ۱۹۱۳ بالغ بر ۱۵۵,۴۲۲,۲۰۰ نفر و در ۱۸۹۷ بالغ بر ۱۱۶,۲۳۷,۸۰۰ نفر میشد (ماخذ: Martin McCauley, op. cit., p.2).
به فرض ثابت بودن نرخ رشد جمعیت طی سالهای ۱۸۹۷ تا ۱۹۱۳، میزان متوسط افزایش سالانه طی این سالها بالغ بر ۲,۳۰۴,۹۶۵ نفر میشود. اگر نرخ رشد سالانه جمعیت برای سالهای ۱۷-۱۹۱۳ را همین مقدار فرض کنیم، در آن صورت جمعیت تخمینی روسیه برای ۱۹۱۷ بالغ بر ۱۶۴,۶۴۲,۰۶۰ نفر میشود.

فصل دوم

۱- Alec Nove, op. cit., p.11

۲- Pisarev, Quoted in *Economic Backwardness in Historical Perspective*, A book of essays, by Alexander Greschenkron, p. 176

۳- هرزن، نقل شده در همانجا، صفحه ۱۶۸

۴- Herzen Quoted in *A short History of Socialism*, by George Lichtheim, Fontana/Collins, 1977, p.125

۵- Alexander Greschenkron, op. cit., p.178

۶- Arthur P. Mendel, *Dilemmas of Progress in Tsarist Russia*, Harvard University Press, 1961, p.39

۷- همانجا، صفحه ۱۴۳

۸- " ، " ۱۴۳

۹- " ، " ۱۴۳

۱۰- " ، " ۱۳۹

۱۱- " ، " ۱۳۹

۱۲- " ، " ۱۳۹

۱۳- " ، " ۱۳۹

- ۱۴- " " ، ۱۳۹
- ۱۵- بولگاکف (Bolgakov) نقل شده در همانجا ، صفحات ۴۰ - ۱۳۹
- ۱۶- همانجا ، صفحه ۱۴۲
- ۱۷- Russian Encyclopedia, Vo.11, p.231
- ۱۸- همانجا ، صفحه ۲۳۲
- ۱۹- برای توضیحات بیشتر درباره نپ به مقالات زیر که در شماره ۲ "بولتن نظرات و مباحثات پیرامون مارکسیم و مسئله شوروی" ، از انتشارات حزب کمونیست ایران ، درج شده اند رجوع شود :
- معرفی مختصر نپ (سیاست اقتصادی نوین) در شوروی ۱۹۲۹-۱۹۲۱ - نسرین جلالی
- درباره چند ارزیابی از نپ - ایرج فرزاد
- بررسی انتقادی سیاست اقتصادی بلشویکها ۱۹۲۳-۱۹۱۸ - صلاح ایزدی
- ۲۰- Pilnyak Quoted in A History of Soviet Russia, Socialism in One Country (1924-26), Vol.1, By E.H.Carr, Penguin Books, 1970, p.65-6
- ۲۱- همانجا ، صفحه ۶۷-۸
- ۲۲- " " ، ۷۰
- ۲۳- " " ، ۷۰
- ۲۴- " " ، ۷۱
- ۲۵- الکساندکولچاک (۱۸۷۴-۱۹۲۰) فرمانده یکی از جبهه های ضد انقلابی شرقی در جنگ داخلی روسیه بود .
- ۲۶- لئون ترنسکی ، دولت کارگری و مساله ترمیدور و بنا پارتنیزم ، مرداد ۱۳۵۴ ، انتشارات طلعه ، صفحات ۶۰ - ۵۵

فصل سوم

- ۱- پلخانف و آکسلرود هر دو از رهبران سازمان ناردنیکي جزئی پرِدِل (جدار سیاه) بودند .
- ۲- Arthur P. Mendel, op. cit., p.110
- ۳- Samuel H. Baron, Plekhanov The Father of Russian Marxism, Routledge & Kegan Paul Ltd., 1963, p.40
- ۴- Massimo Salvadori, Karl Kautsky and the Socialist Revolution 1880-1938, NLB, 1979, pp. 29-30
- ۵- خواننده علاقمند برای مطالعه بیشتر میتواند از جمله به متون زیر رجوع نماید :

- منصور حکمت، "در نقد وحدت کمونیستی: آناتومی لیبرالیسم چپ" (قسمت دوم)، فصل چهارم تحت عنوان: "مارکسیسم و پراتیک انقلابی: درباره متدولوژی لنین"، بسوی سوسیالیسم شماره ۲، نشریه تئوریک - حزب کمونیست ایران، آذرماه ۱۳۶۴، صفحات ۱۲۸ - ۱۲۳

- ایرج آذرین، "در نقد سوسیالیسم عرفانی" ("دوران گذار" بتلهایم)، قسمت دوم تحت عنوان: "زیربنای اقتصادی یا مبارزه طبقاتی؟"، "بولتن - نظرات و مباحثات" شماره ۲، صفحات ۱۸۴ - ۱۸۲

ع- مارکس و انگلس علیرغم اهمیت زیادی که برای ارزش علمی کارداروین - قائل بودند، نه هیچوقت روش تحلیلی او را تماما مورد تأیید خود قرار دادند و نه هیچگاه تعمیم خطی تاریخ تکامل حیوانات به جامعه مدنی انسانی را قابل قبول میدانستند. بعنوان مثال، این نکته را انگلس در نامه ۱۷ نوامبر ۱۸۷۵ خود به لارف که اتفاقا همین تعمیم نابجا را مرتکب شده بود، چنین مینویسد: گوشزد میکند:

"... من تئوری تکامل داروینی را میپذیرم، منتها روش اثبات داروین را (تنازع بقاء، انتخاب طبیعی) تنها بعنوان بیان اولیه، موقتی و ناکامل واقعیتی تلقی میکنم که به تازگی کشف شده است. تا قبل از زمان داروین تمام همان کسانی که امروزه در هر چیزی مبارزه برای بقاء را میبینند (فوکت، بوخنر، موله شوت و غیره...) دقیقاً بر سرفاکتور تعاون در طبیعت ارگانیسم تاکید داشتند، یعنی برای واقعیت اشاره داشتند که مولود نباتی اکسیژن و مواد مغذی به مولود حیوانی میدهد و در عوض مولود حیوانی به گیاهان اسید کاربونیک و کود ضروری آنان را... هر دو ادراک در حدود معینی نکات درستی را در بردارند. منتها هر کدام در خود به یک اندازه یک جانبه و محدود هستند، تقابل اجسام در طبیعت - چه برای موجودات جاندار و چه بیجان - مشتمل بر هماهنگی و تضاد، مبارزه و تعاون میباشد، بنا بر این وقتی کسی که مدعیسی احاطه بر علوم طبیعی است به خود اجازه میدهد که تمام تکامل تاریخ را با آنهمه غنا و تنوعش به عبارت یک جانبه و خشک و خالی 'تنازع بقاء' تنزل دهد - عبارتی که حتی آنجا که به عرصه طبیعت نسبت داده میشود به سختی میتواند پذیرفته شود - تنها میتواند لایق این باشد که مورد سرزنش قرار گیرد.

تمام تئوری تنازع بقاء داروینی به سادگی چیزی را به طبیعت تعمیم می‌دهد که [بیشتر] فلسفه جدال انسان بر علیه انسان هوپس، فلسفه اقتصادی بورژوازی رقابت و تئوری جمعیت مالتوس به جا معه نسبت داده بودند. حال که دوره سیادت این فلسفه‌ها به پایان رسیده است... مجدداً همان تئوریه‌ها با استنتاج از طبیعت ارگانیسم به عرصه تاریخ تعمیم داده می‌شوند، تا بدان حد که دیگر اکنون ادعا می‌شود صحت آنان بعنوان قوانین ابدی جامعه انسانی به ثبوت رسیده است. این کار بیش از آن کودکانه است که من لزومی ببینم کلمه‌ای در مورد آن در اینجا بگویم. ولی اگر قرار بود من این موضوع را مورد مذاقه حدی قرار دهم، در آن صورت در وهله اول نشان می‌دادم که چقدر آنان اقتصاددانان ناواردی هستند و سپس در وهله دوم ناواردی آنان بعنوان عالم علوم طبیعی و فیلسوف را به ثبوت می‌رساندم.

... اختلاف اساسی بین حیوانات و جامعه انسانی در این نهفته است که حیوانات در بهترین حالت می‌توانند [مواد مورد نیازشان را] گردآورند حال آنکه انسان می‌تواند این مواد را تولید کند. این تمایز صرفاً، و البته محوری به تنهایی مانع از آن است که قوانین جوامع حیوانی را به سادگی به جوامع انسانی تعمیم دهیم... .

در ضمن صرف این واقعیت که تاریخ پیشین بعنوان مجموعه‌ای از مبارزات طبقاتی در نظر گرفته می‌شود کافی است تا سطحی گری تصویری که این تاریخ را صرفاً یک نمونه ضعیف دیگر از 'تنازع بقاء' می‌بیند، روشن نماید... ."

[ماخذ: Marx & Engels, Selected Correspondence, Progress Publishers, 1975]

Massimo Salvadori, op. cit., p. 24

-۷

۸- به مقاله فلسفی: لوجیکولتی، لوئی آلتوسر، ترجمه بابک، چاپ تابستان ۱۹۸۶، صفحه ۵۳

۹- Gareth Stedman Jones, New Left Review, No. 106, Nov-Dec 77

Massimo Salvadori, op. cit., pp 23-24

-۱۰

۱۱- همانجا، صفحه ۲۴

۱۲- همانجا، صفحه ۲۴

- Chris Harman, *International Socialism* 2:32, Summer 1986, p.5-13
- ۱۴- پلخانیف، تکامل نظریه مونیستی تاریخ، جلد دوم، ترجمه حلال علوی نیا،
سعدالله علیزاده، نشر بین الملل، ۱۳۵۸، صفحه ۲۵۶
- ۱۵- Baron, op. cit., p.102
- ۱۶- اگرچه خود پلخانیف در طول کنگره حزب سوسیال دمکرات بر سرمبحث اساسنامه از موضع لنین دفاع میکرد ولی پس از کنگره بلافاصله این موضع خود را عوض کرد. او در توضیح این تغییر موضعش اعلام کرد که قبلاً هم با موضع لنین در "چه باید کرد؟" موافق نبوده است اما فکر میکرد که آنچه لنین در آنجا نوشته بیشتر ابراز نادقیق مفاهیمی است که مورد قبول خود او هستند. بدین سان پلخانیف پس از کنگره دوم خود را در کنار رهبران منشویکی قرارداد که پیشتر در خود کنگره بر سرمبحث تشکیلات و اساسنامه صف خود را از لنین متمایز کرده بودند.
- ۱۷- Lenin, Quoted in E.H.Carr, "The Bolshevik Revolution 1917-1923" Vol.1, Penguin Books, 1984, p.49
- ۱۸- Lenin, *Collected Works*, Vol.8, p.168
- ۱۹- Lenin, Quoted in E.H.Carr, op. cit., p.66
- ۲۰- Plekhanov, Quoted in Baron, op. cit., p.101-2
- ۲۱- همانجا، صفحه ۱۰۲
- ۲۲- Axelrod, Quoted in E.H.Carr, op. cit., p.65
- ۲۳- مارتینف به نقل از همان ماخذ، صفحه ۶۵
- ۲۴- بلشویسم و منشویسم در انقلاب دمکراتیک، سری ترجمه آثار لنین ۱، ۴، م. ک. چاپ اول، بهمن ۵۹، صفحه ۷۹
- ۲۵- Lenin, Quoted in E.H.Carr, op. cit., p.65
- ۲۶- همانجا، صفحه ۶۷
- ۲۷- البته بین منشویکهای چپ (جناح مارتف) و بلشویکها کماکان یک تفاوت اساسی وجود داشت. منشویکهای چپ جنگ را از یک موضع پاشیفیستی محکوم میکردند. آنان برای خاتمه جنگ خواهان این بودند که دول بورژوایی ضمن برسمیت شناختن حق حاکمیت ملی یکدیگر وبدون درخواست هرگونه الحاق یا غرامت جنگی با یکدیگر صلح کنند. منشویکهای چپ از این حد فراتر نمیرفتند زیرا باور دمکراتیک آنان به مرحله بورژوا - دمکراتیک انقلاب در روسیه به آنان اجازه نمیداد از یک موضع انقلابی، یعنی از طریق سرنوشتی قسدرت حاکمه تزاری توسط پرولتاریا و دهقانان فقیر، خواست پایان جنگ را مطرح کنند. برخلاف این موضع پاشیفیستی بلشویکها خواهان پایان دادن به جنگ در سراسر اروپا از طریق تبدیل آن به یک انقلاب سوسیالیستی جهانی (منجمله در روسیه) بودند.
- ۲۸- Salvadori, op. cit., p.196

- ۲۹- همانجا، صفحه ۲۰۱
- ۳۰- همانجا، صفحه ۱۹۷
- ۳۱- Lenin, Quoted in E.H.Carr, op. cit., p.245
- ۳۲- قطعنامه‌ها و تصمیمات حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه، ۱۹۱۷-۱۸۹۸، از انتشارات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، چاپ اول، دی ۱۳۶۳، صفحه ۷۳
- ۳۳- لنین، منتخب آثار فارسی یکجلدی، صفحات ۲۶۷-۲۶۸
- ۳۴- همانجا، صفحه ۲۶۷
- ۳۵- Lenin, Quoted in E.H.Carr, op. cit., p.68
- ۳۶- لنین، منتخب آثار فارسی یکجلدی، صفحه ۴۵۲
- ۳۷- E.H.Carr, op. cit., p.90
- ۳۸- همانجا، صفحه ۹۱
- ۳۹- " " " ۹۲
- ۴۰- " " " ۹۵
- ۴۱- " " " ۹۵
- ۴۲- " " " ۱۰۶
- ۴۳- " " " ۱۰۶
- ۴۴- لنین، منتخب آثار یکجلدی بفارسی، صفحه ۵۱۴
- ۴۵- همانجا، صفحه ۵۹۸
- ۴۶- لئون تریتسکی، تاریخ انقلاب روسیه، ترجمه سعید باستانی، جلد سوم، نشر فانوس، تهران آبانماه ۱۳۶۰، صفحات ۲-۳۸۱
- ۴۷- همانجا، صفحه ۳۸۲
- ۴۸- تصورآزمان سوسیال دموکراسی درقبال چگونگی تحول یک جامعه سرمایه داری به سوسیالیسم درنوشته‌ای ازکاژوتسکی که دربررسی تجارب حکومت بیدوام منشویکی گرجستان روسیه به رشته تحریر درآمده بود، بروشنی ترسیم گشته است. کاژوتسکی دراین نوشته مسئله را چنین بررسی میکند:
- " وظیفه فوری چنین حکومتی [منظوریک حکومت سوسیالیستی است] نیز به همین ترتیب چنین اند: افزایش توان، قدرت و آگاهی پرولتاریا؛ قرار دادن سرمایه داران تحت کنترل دولت، و ارتقاء بارآوری کار؛ ولی تحت هیچ شرایطی نباید به الحاق فوری سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم مبادرت کند. درجه‌ای که میتوان سوسیالیسم را دریک کشور معمول داشت بستگی به سطح مهاباشدن [ملزومات عینی سوسیالیسم] درآن کشور دارد، اگر وظایف یک حکومت سوسیالیستی چنین درک شود در آن صورت امکان برپایی چنین دولتی حتی درجوامع از

نقطه نظراقتصادی عقب مانده نیز با تئوری مارکسیسم
یعنی آن تئوری که برطبق آن ملزومات سوسیالیسم
تنها در یک کشور بسیار پیشرفته سرمایه داری برسمیت
شناخته میشود، تطابق پیدا میکند.

[ماخذ:]

[Karl Kautsky: Selected Political Writings, Edited & Translated by
Patrick Goodge, The Macmillan Press Ltd., 1983, p.135]

فصل چهارم

۱- بعنوان مثال پل بوکارا (Paul Boccara) ، اقتصاددان برجسته حزب
کمونیست فرانسه مدعی است که :

" آنقدرها از تدوین تئوری امپریالیسم لنینی—
نمیگذشت که وی این تئوری را به نفع تئوری جدید
سرمایه داری انحصاری دولتی رد کرد... چند ماه پس از
انتشار 'امپریالیسم یمثابه بالاترین مرحله
سرمایه داری' لنین متوجه شد که اشتباه میکرده است .
اوپس از آن سرمایه داری انحصاری دولتی را به مثابه یک
مرحله تاریخی جدید برسمیت شناخت ."

[ماخذ:]

[Theoretical Journal of the Revolutionary Communist Tendency, No.4,
February 1979, p.18]

یکی از مدعیان ایرانی چنین حکمی " راه کارگر " است . این جریان پس
از آنکه با اعتماد بنفس اعلام میکنند که " سوسیالیسم یعنی کنترل و حسابرسی
توده های + انحصار دولتی سرمایه ملی " (در ضمن ظاهرا این " ملی " آخر را خود راه
کارگر به اظهارات لنین افزوده است !) و این راهم " راه اکثریت " قلمداد
میکند، نتیجه میگیرد که " راه اکثریت تنها راه انقلاب پرولتاریایی در روسیه
بلکه راه همه کشورهای عقب مانده در شرایط پس از اکثریت است در همه این
کشورها راه انقلاب از مسیر قبضه قدرت توسط پرولتاریا ، انحصار همه سرمایه ملی
در دست دولت ، کنترل و حسابرسی همه خلقی با رهبری قدرت پرولتری و هدایت
اقتصاد بر مبنای نیازهای عینی جامعه در شرایط معین میگذرد... این راهی
است که در همه کشورهای سوسیالیستی بعد از اکثریت پیموده شده و میشود ، هم در
کوبا ، هم در ویتنام ، هم در یمن جنوبی و هم در نیکاراگوئه امروز . " (راه کارگر
تئوریک ، شماره ۵ ، صفحات ۷۵-۷۸) .

تعجبی ندارد که با غلبه چنین بینشی از سوسیالیسم آقای T. T. برل
(A.A.Berle) اقتصاددان بورژوا که ایجاد و شکل گیری انحصارات و
تراستهای غول آسا را در همین نظام سرمایه داری دیده و معتقد است که برخی از
آنان " واحدهایی هستند که تنها میتوان به همانسان که در مورد ملل تاکنون

فکر می‌شده، در موردشان اندیشید"، به این نتیجه رسید که پس از جنگ جهانی دوم (که مترادف با دوره تشکیل این تراست‌های بزرگ است) اقتصاد سرمایه‌داری چنان تحول یافته که اینک فقط "عمدتاً از نقطه نظر مضمون فلسفی اش با سیستم اقتصادی روسیه یا جوامع سوسیالیستی فرق میکند!"

[ماخذ: Paul Mattick, Marx & Keynes, Merlin Press, p.281]

۲- Marx-Engels, Selected Correspondence, Progress Publishers, 1975, p.196

۳- کارل مارکس، گروندریسه مبانی نقداقتصادسیاسی، جلد اول، ترجمه باقر پرهام و احمدتدین، بهار ۱۳۶۳، صفحه ۲۶۸

۴- همانجا، صفحه ۹۷

۵- همانجا، صفحه ۱۱۲-۱۱۳ (با تغییرات جزئی در ترجمه)

۶- اگرچه ما آماری که وضعیت صنعت و کمیت کارگران فرانسه را در ۱۸۷۱ نشان دهد بدست نیاوردیم ولی آماری که مربوط به ۱۷ آوریل ۱۸۹۲ فرانسه است اطلاعات جالبی در این زمینه بدست میدهد. این سرشماری نشان میدهد که تنها ۲۵/۹ درصد جمعیت آن زمان فرانسه در صنعت اشتغال داشت و این رقم تقریباً نصف تعداد شاغل در بخش کشاورزی (که ۴۷/۴ درصد جهت شاغل آن زمان بود) را در بر میگرفت.

[ماخذ: Edvard Bernstein, Evolutionary Socialism, Schocken, 1965, p.58]

۷- K.Marx, The Civil War in France, Progress Publishers, 1974, pp. 57-58

۸- در این رابطه خواننده علاقمند میتواند به ماخذ زیر رجوع نماید:

- Marx, Grundrisse, Penguin Books, 1973, pp 649-652

- منصور حکمت، "در حاشیه مباحثات اخیر سوئیزی و بتل‌هایم"، بولتن مارکسیسم و مساله شوروی شماره ۱، اسفند ۱۳۶۴

- ایرج آذرین، سرمایه‌داری شوروی و مباحثه اخیر سوئیزی - بتل‌هایم، ماخذ قبلی

۹- Marx, Capital, Vol.III, Progress Publishers, 1977, pp. 436-8

۱۰- گروندریسه، ترجمه فارسی، صفحه ۵۳، با قدری اصلاح در ترجمه

۱۱- Marx, Capital, Vol.III, P.175

۱۲- همانجا، صفحه ۸۶۱

۱۳- Engels, Anti-Duhring, International Publishers, 1972, pp. 304-5

۱۴- همانجا، صفحه ۳۰۶

۱۵- همانجا، صفحه ۳۰۹

۱۶- K.Marx, and F.Engels, Selected Works, Vol.III, Progress Publishers, 1976, pp. 431-2

لنین همین نکته را در کتاب دولت و انقلاب خود مورد تاکید قرار داده میگوید:

"در اینجا، از نظرات زیابا پی تئوریک سرمایه داری نوس یعنی امپریالیسم، اساسی ترین نکته در نظر گرفته شده و آن اینکه سرمایه داری بدل به سرمایه داری انحصاری میگردد. روی کلمه اخیر باید تکیه کرد زیرا یکی از شایع ترین اشتباهات این ادعای بورژوا فرمستی است که گویا سرمایه داری انحصاری یا انحصاری دولتی، دیگر سرمایه داری نیست و لذا میتوان آنرا 'سوسیالیسم دولتی' و نظایر آن نامید. البته تراستها هیچگاه کاملاً از روی برنامه کار نکرده اند و اکنون هم کار نمیکنند و اصولاً نمیتوانند کار کنند. ولی در حدودی هم که آنها از روی برنامه کار میکنند و سلاطین سرمایه میزان تولید را در مقیاس ملی و حتی در مقیاس بین المللی از پیش بحساب میاورند و آنرا از روی برنامه تنظیم میکنند، باز سر و کار ما با سرمایه داری است. 'نزدیکی' یک چنین سرمایه داری به سوسیالیسم باید برای نمایندگان واقعی پرولتاریا دلیلی بر نزدیکی و آسانی و عملی بودن و تعویق ناپذیر بودن انقلاب سوسیالیستی باشد و بهیچوجه نباید دلیلی شمرده شود برای آنکه نسبت به نفی این انقلاب و آراستن سرمایه داری، که تمام فرمیستها بدان مشغولند، با شکیبایی رفتار گردد."

[ماخذ: دولت و انقلاب، ترجمه فارسی، چاپ پکن، صفحات ۹۴-۹۵، تأکیدات در متن اصلی]

۱۷- خواننده علاقمند برای اطلاع بیشتر از تئوری بحران مارکس میتواند به متون زیر رجوع نماید:

Karl Marx, Theories of Surplus Value, Part 3, Lawrence & Wishart, 1969, pp. 507-546

- منصور حکمت، نظری به تئوری مارکسیستی بحران و اشتنا جاتی در مورد سرمایه داری وابسته، انتشارات اتحاد مبارزان کمونیست، بهمن ۵۸
- دیوید یافی، نظریه علمی بحران سرمایه داری، ترجمه م. سوداگر، موسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی پاریس.

- Marx, Grundrisse, p.750 -۱۹
- Edvard Bernstein, Evolutionary Socialism, Schocken, 1965, p.14 -۲۰
- ۲۱ همانجا، صفحه ۸۷
- ۲۲ همانجا، صفحه ۹۳
- ۲۳ روزالوگزامبورگ، برگزیده آثار، انتشارات سیاهکل، صفحه ۳۶ (باقدری
اصلاحات در ترجمه)
- Quoted in Revolutionary Communist Papers, op. cit., p.6 -۲۴
- Hilferding, Finance Capital, Routledge & Kegan Paul, 1985, pp.227-8 -۲۵
- ۲۶ همانجا، صفحه ۲۵۶
- ۲۷ دیویدیا فی، ماخذ قبلی، صفحه ۷۳
- Hilferding, op. cit., p.361 -۲۸
- ۲۹ همانجا، صفحه ۹
- Hilferding, Quoted in Revolutionary Communist Papers, op. cit., -۳۰
pp. 6-7
- Bukharin, Selected Writings on the State & and the Transition to -۳۱
Socialism, Spokesman, 1982, p.38
- Bukharin, Imperialism and the Accumulation of Capital, Monthly -۳۲
Review Press, n.d., p.228
- ۳۳ همانجا، صفحه ۲۲۶
- Lenin, Collected Works, Volume 29, p.165 -۳۴
- Bukharin, Selected Writings, p.42 -۳۵
- ۳۶ همانجا، صفحات ۶۷-۶۸
- Alec Nove, op. cit., p.54 -۳۷
- ۳۸ همانجا، صفحه ۶۸
- ۳۹ " ، " ۶۹
- ۴۰ " ، " ۶۹
- ۴۱ " ، " ۶۹
- ۴۲ لنین، چپ روی کودکان و ذهنیت خرده بورژوازی، انتشارات محک، صفحات
۱۴ - ۱۳
- Bukharin, op. cit., p.57 -۴۳
- Lenin, Collected Works, Vol.32, pp. 83-84 -۴۴
- ۴۵ کارل مارکس، نقد برنامه گوتا، مترجم: ع - م، انتشارات پسرژواک،
صفحه ۲۰

- ۴۴- لنین، منتخب آثار یکجلدی فارسی، صفحه ۵۰۲
- ۴۷- همانجا، صفحه ۴۹۲
- ۴۸- " ، " ، ۴۹۲
- ۴۹- " ، " ، ۴۸۹
- ۵۰- " ، " ، ۴۸۹
- ۵۱- " ، " ، ۴۹۶
- ۵۲- " ، " ، ۵۰۲
- ۵۳- " ، " ، ۵۰۲
- ۵۴- " ، " ، ۵۰۴
- ۵۵- لنین، چپ روی کودکان و ذهنیت خرده بورژوازی، صفحه ۲۴
- ۵۶- همانجا، صفحه ۱۸
- ۵۷- لنین، پنجاه سال انقلاب روس و دورنمای انقلاب جهانی، منتخب آثار یکجلدی فارسی، صفحه ۸۵۵
- ۵۸- همانجا، صفحه ۸۵۵
- ۵۹- همانجا، صفحه ۸۵۶
- ۶۰- Lenin, Collected Works, Vol.32, p.84
- ۶۱- لنین، مالیات جنسی، منتخب آثار یکجلدی فارسی، صفحه ۸۰۰
- ۶۲- لنین، چپ روی کودکان و ذهنیت خرده بورژوازی، صفحه ۲۰
- ۶۳- لنین، منتخب آثار یکجلدی فارسی، صفحه ۸۵۵
- ۶۴- Lenin, Collected Works, Vol.33, pp. 64-65
- ۶۵- لنین، چپ روی کودکان و ذهنیت خرده بورژوازی، صفحه ۱۶
- ۶۶- لنین، درباره کثوپراسیون، منتخب آثار یکجلدی فارسی، صفحه ۸۶۶
- ۶۷- یک نمونه از این روش پلیمکی لنین خود را در شرکت وی در بحث مربوط به تشکیلات حزبی نشان میدهد. بقول خودش:
- "اکنون میستها میله را از یک سو خم میکردند، ولذا به منظور صاف کردن آن لازم بود میله از سوی دیگر خم میشد، و این دقیقاً کاری است که من انجام دادم." (نقل از Minutes of the Second Congress of RSDLP (1903), pp. 169-70)
- لنین این اظهارات را در کنگره دوم حزب سوسیال دمکرات در ۱۹۰۳، در دفاع از جزوه "چه باید کرد" مطرح کرده بود. چرا لنین مجبور شده بود در مقابل روش یکجانبه اکنون میستها بر سر مسئله تشکیلات، متقابلاً یکجانبه به قضیه برخورد کند و بطور یکجانبه و "اغراق شده" بر روی عامل ذهنی در بحث "چه باید کرد" تاکید نماید. لنین توضیح این قضیه را در مقدمه‌ای که به

مجموعه آثار دوازده ساله‌اش در ۱۹۵۸ نوشت چنین عنوان میکند:
 "اشکال اساسی کسانی که امروزه 'چه باید کرد؟'
 انتقاد دارند ناشی از این می‌شود که مضمون این گروه را
 بدون ارتباط آن با موقعیت کنکرت تاریخی دوره معین
 - و اکنون قدیمی شدنی - ز تکامل حزب ما مورد بررسی
 قرار می‌دهند. چنین اشتباهی را پارووس (Parvus)
 که اکنون سالها پس از انتشار این جزوه درباره ایده‌های
 نادرست یا اغراق آمیز آن بر سر مقوله سازمان انقلابیون
 حرفه‌ای چیز می‌نویسد، واضحاً مرتکب شده است.

گفتن این نکته امروز که ایسکرا (آنهم در ۱۹۵۱ و ۱۹۵۲)^۱
 بر سر ایده سازمان انقلابیون حرفه‌ای اغراق کرده بود،
 به این می‌ماند که ما ژاپنیها را پس از جنگ روسیه-ژاپن
 بخاطر اینکه در مورد توان نیروهای مسلح روسیه اغراق
 کرده بودند، و لذا پیش از جنگ بر سر میران موردنیاز
 برای جنگ با ارتش روسیه مبالغه نموده بودند، مورد
 سرزنش قرار دهیم، ژاپنیها برای آنکه در جنگ پیروز
 شوند لازم بود که تمام نیروی شان را در مقابل
 حداکثر نیروی ممکن روسیه آرایش دهند. متأسفانه،
 تمام کسانی که بعنوان غریبه در مورد حزب ما قضایات
 میکنند، که به موضوع مورد بحث آشنایی ندارند، به این
 نکته واقف نیستند که این امروز است که ایده سازمان
 انقلابیون حرفه‌ای دیگر به پیروزی کامل دست یافته
 است، و لذا متوجه نیستند که این پیروزی بدست نیامد
 اگر ما در آن زمان این ایده را پیش نمی‌کشیدیم، و اگر
 در مورد آن 'اغراق نمی‌کردیم' تا در ذهن کسانی که
 تمام تلاش خود را بکار می‌بستند تا مانع از اتخاذش شوند،
 جابجفتند. (لنین، کلیات تاربه انگلیسی، جلد ۱۳، ۱۵۲-۱۵۱)

سنا بر این واضح بود که دیگر در سال ۱۹۱۴ یعنی آن زمان که از پیروزی
 مبارزه بر سر ایده سازمان دیگر مدتها می‌گذشت، و ما حمل این پیروزی مورد
 بهره‌برداری قرار گرفته بود "همانجا، صفحه ۱۵۲)، همان لنینی که درجه باید
 کرد گفته بود: "به همین گونه در روسیه نیز آموزش تئوریک سوسیال دمکراسی کاملاً
 مستقل از رشد خود بخودی جنبش کارگری به مثابه نتیجه طبیعی و با گریز فکری

روشنفکران انقلابی سوسیالیست بوجود آمده بود،" (منتخب آثار فارسی، صفحه ۸۴) ترنسکی را بخاطر آنکه گفته بود:

" حزب سوسیال دمکرات پیش از انقلاب [منظورا انقلاب ۱۹۰۵ است] در کشور ما... سازمانی بود متشکّل از روشنفکران مارکسیست که بیداری طبقه کارگر را رهبری

نمودند." (نقل از New Left Review, No.79, May/June 73, p.9)

مورد شدیدترین حملات قرار داد، این ادعای او را بمثابة "ندای انحلال طلبی ولیمیرالی قدیم" مردود شمرد و در عوض به نقش اعتصابات کارگری ۱۸۹۵-۶ در تشکیل حزب سوسیال دمکرات روسیه اشاره کرده و با طعنه از ترنسکی پرسید که "یا این روشنفکران بودند که طبقه کارگر را در آن اعتصابات رهبری کردند یا خیر" (همانجا، صفحه ۹).

۶۸- لنین، منتخب آثار فارسی، یک جلدی، صفحه ۸۰۵

۶۹- همانجا، صفحه ۸۶۶

۷۰- " ، " ۸۶۴-۶۶

۷۱- " ، " ۸۰۶

۷۲- " ، " ۸۶۶

۷۳- " ، " ۸۶۶

۷۴- " ، " ۸۰۶

۷۵- " ، " ۸۰۶

۷۶- Lenin, Collected Works, Vol.32, pp.348-9

۷۷- همانجا، صفحه ۸۶۶

فصل پنجم

- ۱- البته باید ذکر کنیم که تعداد بنگاه‌هایی که ما به مالکیت خصوصی در آمدند در این دوره بسیار ناچیز بود. طبق اطلاعات موجود، شورای عالی اقتصاد ملی فقط ۷۶ بنگاه ملی شده را دوباره به مالکیت خصوصی صاحبان قبلی شان برگردانده بود. ارگانهای محلی نیز متعاقباً معدودی از بنگاه‌های ملی شده را به مالکان خصوصی برگردانده بودند. (ماخذ: Alec Nove, op. cit., p.85)
- ۲- تعداد بنگاه‌های تولیدی بزرگی که به اداره مدیران خصوصی برگردانده شده بودند، بسیار محدود بود. در مجموع تا ۲۵-۱۹۲۴ فقط ۱۸ بنگاه خصوصی وجود داشت که تعداد کارگران شاغل در آنها از رقم ۱۰۰ تا ۲۰۰ تجاوز میکرد (همانجا، صفحه ۸۶).

۳- لنین، منتخب آثار یکجلدی فارسی، صفحه ۸۴۱

۴- همانجا، صفحه ۸۳۹

۵- برای آنکه خواننده تصویر واقعی تری از چگونگی سیر بهبود وضعیت اقتصاد روسیه در طی سالهای نپ بدست آورد، جدول زیر را ارائه میکنیم. همانطور که از ارقام جدول میتوان تشخیص داد اقتصاد روسیه در ۱۹۲۶ دیگر به سطح دوران پیش از جنگ (۱۹۱۳) رسیده بود و لاجرم میتوان گفت که در این سال اوضاع اضطراری اقتصاد روسیه به سر آمده بود. کارخانجات و دستگاههای تولیدی با ظرفیت پیش از دوران جنگشان تولید میکردند، و حجم محصولات کشاورزی تولید شده کمابیش با حجم محصولات کشاورزی جمع آوری شده سال ۱۹۱۳ قابل مقایسه بود. (Alec Nove, op. cit., p.94)

جدول ۱۸: نمودار توسعه اقتصادی روسیه طی سالهای ۱۹۲۰-۲۶

سال	موضوع	۱۹۱۳	۱۹۲۰	۱۹۲۱	۱۹۲۲	۱۹۲۳	۱۹۲۴	۱۹۲۵	۱۹۲۶
۱۰۲۵۱	تولیدات صنعتی (به میلیون روبل ۲۷-۱۹۲۶)	۱۴۱۰	۲۰۰۴	۲۶۱۹	۴۰۰۵	۴۶۶۰	۷۷۳۹	۵۸۲	
۲۹	ذغال سنگ (به میلیون تن)	۸/۷	۸/۹	۹/۵	۱۳/۷	۱۶/۱	۱۸/۱	۲۷/۶	
۱۹۴۵	برق (به میلیون کیلووات)	-	۵۲۰	۷۷۵	۱۱۴۶	۱۵۶۲	۲۹۲۵	۳۵۰۸	
۲۲۱۶	آهن (به هزار تن)	-	۱۱۶	۱۸۸	۳۰۹	۷۵۵	۱۵۳۵	۲۴۲۱	
۴۲۳۱	فولاد (به هزار تن)	-	۱۸۳	۳۹۲	۷۰۹	۱۱۴۰	۲۱۳۵	۳۱۴۱	
۲۵۸۲	الیاف پنبه ای (به میلیون متر)	-	۱۰۵	۳۴۹	۶۹۱	۹۶۳	۱۶۸۸	۲۲۸۶	
۱۵۰	اراضی کشت شده (به میلیون هکتار)	-	۹۰/۳	۷۷/۷	۹۱/۷	۹۸/۱	۱۰۴/۳	۱۱۰/۳	
۸۰/۱	غلات جمع آوری شده (به میلیون تن)	۴۶/۱	۳۷/۶	۵۰/۳	۵۶/۶	۵۱/۴	۷۲/۵	۷۶/۸	

۶- Lenin, Collected Works, Vol.32, p.214 & p.215

۷- همانجا، صفحه ۲۱۵

۸- " " " " ۲۱۵

- ۹- " " " ۴۹۰
- ۱۰- Lenin, Collected Works, Vol.33, p.269
- ۱۱- Lenin, Collected Works, Vol.32, p.215
- ۱۲- بولتن مارکسیسم و مساله شوروی، شماره ۲، صفحه ۲۶۲
- ۱۳- Lenin, Collected Works, Vol.31, p.516
- ۱۴- Lenin, Collected Works, Vol.32, p.408
- ۱۵- همانجا، صفحه ۴۹۳
- ۱۶- رجوع کنید به فصل ۴، قسمت آخر بخش مربوط به لنین و مقوله سرمایه داری دولتی.
- ۱۷- رجوع کنید به فصل ۲، بخشی که تحت این عنوان آورده شده: دو مکتب فکری برای تحول اجتماعی روسیه: اسلاو دوستها و غرب گرایان.
- ۱۸- E.H.Carr, Socialism in One Country, Vol.1, Penguin Books, 1970, p.76

فصل ششم

۱- انگلیس در این مورد کاملاً صراحت دارد. اودرنا مه ای خطاب به اتوفون بونیک (Otto Von Boenigk) به تاریخ ۲۱ اوت ۱۸۹۰، مسئله را چنین طرح میکند:

" به نظر من این 'جامعه سوسیالیستی' چیز لایتغیری نیست. مثل همه شکل بندیهای دیگر اجتماعی باید بعنوان یک پدیده دائماً در حال تحول و تغییر در نظر گرفته شود. تفاوت حیاتی آن با نظم موجود در این است که تولید در این یکی بر اساس مالکیت اشتراکی تمام وسایل تولید توسط ملت سازمان یافته است. اینکه چنین سازمانی را از فردا شروع کنیم ولی به تدریج آن را به اجرا درآوریم از نظر من کاملاً عملی است. اینکه کارگران مساواتوانایی انجام اینکار برخوردارند یا نه به شهادت وجود تعداد بسیاری از تعاونیهای مصرف و تولیدی آنها به ثبوت رسیده، تعاونی هایی که هرگاه مفرطانه از طرف پلیس ناسودنشان و به ترومنفان تراش شرکت های سهامی بورژوازی کار خواهند کرد."

[ماخذ: Karl Marx and Frederick Engels, Selected Works, Vol.III, p.486-7]

Richard B. Day, Trotsky and Preobrazhensky: The Troubled Unity of the Left Opposition, Studies in Comparative Communism, Vol. X, Nos. 1&2, Spring/Summer 1977, p. 82

۳- لئون ترسکی، انقلابی که به آن خیانت شد، بدون نام ناشر و مترجم، صفحه ۵۹، عبارت داخل کروشه از ماست.

Leon Trotsky, Towards Capitalism or Socialism?, The Challenge of the Left Opposition (1923-1925), Pathfinders Press, Sept. 1980, p. 345

Richard B. Day, Leon Trotsky and the Politics of Economic Isolation, Cambridge University Press, 1973, p. 166

Evgeny Preobrazhensky, The New Economics: An Experiment in Theoretical analysis of the Soviet Union, Oxford University Press, 1965, p. 187

۷- همانجا، صفحه ۱۹۲

E. Preobrazhensky, From NEP to Socialism, New Park Publications, 1962, p. 94

E. Preobrazhensky, The New Economics, pp. 244-45

L. Trotsky, Towards Capitalism or Socialism? pp. 374-76

۱۱- همانجا، صفحه ۳۲۹

Richard B. Day, Leon Trotsky and the Politics of Economic Isolation, p. 86

Alec Nove, op. cit., pp. 93-96

۱۲- برای توضیح بیشتر در مورد "بحران قیچی" به مقاله نسرين جلالی تحت عنوان "معرفی مختصر نپ" مندرج در شماره ۲ بولتن ما رکیسم و ساله شوروی، بویژه صفحات ۸۹-۹۰ رجوع کنید.

۱۵- همانجا، صفحه ۹۱

Alexander Erlich, Preobrazhensky and the Theory of Soviet Industrialization, Quarterly Journal of Economics, Feb. 1950, pp. 60-61

۱۷- همانجا، صفحه ۶۰

۱۸- همانجا، صفحه ۶۲

E. Prepbrazhensky, op. cit., p.127

-۱۹

۲۰- همانجا، صفحات ۷۹-۸۰

۲۱- همانجا، صفحه ۸۹

۲۲- این درک از ملزومات مادی سوسیالیسم کماکان در دوره مانیزه قوت خودباقی است. از جمله میتوان به اظهارات مندل، رهبر فکری انترناسیونال ۴ در این مورد اشاره کرد که در بحث سازی از مقوله "تکنیک" به افراط عجیبی در غلطیده است. بنظروى در سالهای ۱۹۲۰ نه تنها ملزومات تکنیکی ضروری برای ساختمان سوسیالیسم در روسیه وجود نداشت، که چنین ملزوماتی حتی در آلمان آن زمان نیز یافت نمیشد! حداقل بلشویکها معتقد بودند که سطح با آوری کار و تکنیک در آلمان دهه ۲۰ آنقدر بالا بود که بتواند علاوه بر سوسیالیزه کردن نظام تولیدی خود به کمک کارگران روسیه هم بیاید. ایستادن اطمینان خاطر بلشویکها نسبت به موقعیت آلمان، قاعدتا باید در نظر منبذل بسیار کوتاه بینانه جلوه کند!

وی در یک مصاحبه مطبوعاتی در سپتامبر ۱۹۷۷، در پاسخ به سوال مصاحبه گر "آیا در آلمان ۱۹۲۰ پیش شرطهای سوسیالیزم وجود داشت یا نه" چنین جواب میدهد:

"در کوتاه مدت خیر. اما در میان مدت به احتمال زیاد میتوانست ایجاد شود. آلمان ۱۹۲۰، اگر آنقدر بالا سوسیالیستی را بخود میدید و اگر با شوروی ادغام میشد، چه میتوانست بشود؟ پاسخ به آن ساده نیست. بگذارید به نکته ای اشاره کنم که شاید همه ندانند! در دهه ۱۹۳۰ در آلمان اقدامات اولیه برای ایجاد اولین ماشین حساب الکترونیکی انجام گرفته بود. و این در شرایطی که رژیم حاکمه از لحاظ اقتصادی و سیاسی بغایت ارتجاعی بود. اگر در نخستین سالهای دهه ۱۹۲۰ در آلمان رژیم سوسیالیستی مستقر میشد، من تصور میکنم که با آن درجه بالای رشد نیروهای فکری آن میتوانستیم در رابطه با انقلاب سوم تکنولوژیک پا نرده یا بیست سال از سرمایه داری سبقت بگیریم. فراموش نکنیم که انیشتن نیز در آلمان بود و انکشاف انرژی هسته ای که علیرغم همه تناقضاتش نوید تازه ای برای بشریت را در بردارد. به شرط آنکه مسایل ایمنی به نسبت مسائل هزینه ای (از مساله "سودآوری" صحبت نکنیم) از اولویت کامل برخوردار

باشند. میتوانست امکان توسعه‌ای عظیم در زمینه یک
آلمان سوسیالیستی و یا اروپای سوسیالیستی را فراهم
آورد.

اینها همه فرضیات اند. نمیتوان براساس اگرها فرضیه
ساخت. بهتر است به آنچه امروز انجامش ممکن است،
بازگردیم. من معتقدم که امروزه شرایط آماده‌اند."

(بولتن بحث: سوسیالیزم و انقلاب، بهار ۱۳۶۴، دوره دوم،
شماره ۲، صفحه ۶۳، تاکیدات از ما است)

البته اظهار نظر بالاتر آنجا که به مندل بر میگردد قطعاً یک قدم بحلوس است
زیرا ۷ سال پیش از انجام مصاحبه فوق‌وی حتی همان احتمال بسیار مشروط
بالا را غیرممکن میدانست. او در مقاله‌ای تحت عنوان "تناقضات سرمایه‌داری
دولتی" در سال ۱۹۶۹ در مورد ملزومات مادی سوسیالیسم نوشته بود:

"امروزه طبقه کارگر که ملاتوانایی آنرا دارد که
سرمایه‌داری را در یک کشور سرنگون سازد (همانطور که در
روسیه، یوگسلاوی، کوبا و ویتنام شمالی سرنگون کرده و در
ویتنام جنوبی در شرف سرنگون کردن است). اما
نمیتواند سوسیالیزم را در یک کشور بسازد، حتی در
ایالات متحده آمریکا (بریتانیا و اروپای غربی که جای
خود دارد). زمانی که به قدرت میرسد و یک اقتصاد با
برنامه را سازمان میدهد، نمیتواند تولید کالایی را که ملا
از میان بردارد، چرا که سطح تولید برای ارضای کلیه
نیازهای جامعه بسنده نیست. و اگر در صدد برآید که
تولید کالایی را بطور مصنوعی از میان بردارد، از بطن
نظام جیره‌بندی عمومی و مستقل از اراده تولیدکنندگان
همبسته، تولید کالایی (همراه با بعضی ممیزه‌های پولی
"خصوصی") دوباره ظاهر خواهد شد... اگر کسی نویسد
دیگری دهد، تنها بذرت و همت گمراه‌کننده‌ای را در بین
خواهد افشاند، که به هنگام آشکار شدن واقعیت نقش مخرب
و فریبنده‌ای ایفاء خواهند کرد."

(بولتن بحث: سوسیالیزم و انقلاب، زمستان ۱۳۶۴، دوره دوم،
شماره ۳، صفحات ۹۱-۹۰، تاکیدات از ما است)

چنین تعهدی به "تکنولوژی" و "بارآوری‌کار" البته در میان حریانیات
ایرانی نیز بدون طرفداران پروپاقرص نیست. یک مدافع چنین تصویری، که

البته بعنوان مدافع " اردوگاه سوسیالیسم " با مندل مدافع " تئوسوری دولت منحنی کارگری " نمیتواند چندان نزدیک باشد، "راه کارگر" است، برای این سازمان نیز دستیابی به سوسیالیسم تنها پس از گذراندن " انقلاب تکنولوژیک سوم " ممکن خواهد بود:

"اکنون، یعنی در عصر انقلاب تکنولوژیک سوم، سوسیالیسم با اتوماتیزاسیون (کامپیوتر و الکترونیک) علاوه بر حکومت شوروی میتواند تعریف شود و بسودن کار بست گسترده نتایج این انقلاب و به همراه کلیه تغییرات ناشی از آن در سازمان اجتماعی کار و اداره تولید، نمیتوان از تحکیم پایه‌های اقتصادی دیکتاتوری پرولتاریا کلاسخن بمان آورد." (راه کارگر تئوریک، شماره ۵، بهمن ۱۳۶۵، صفحه ۱۰۶)

البته معلوم نیست اگر کارگر روسی سه نسل پس از قدرت رسیدنش، و تبدیل شدن جامعه روسیه به دومین کشور صنعتی دنیا، کماکان باید منتظر " انقلاب تکنولوژیک سوم و محروم از دیدن جامعه‌ای فارغ از کمبودهای مزدی و مناسبات کالایی - پولی باشد، دیگر چه امیدی برای کارگر ایرانی میماند که هنوز به " آستانه دروازه‌های تمدن بزرگ " هم نرسیده است! با اینگونه تقدیس فاکتور " تکنولوژی "، مدافعان " رشد نیروهای مولد " سوسیالیسم را به یک مدینه فاضله درآورده‌اند که با هر انقلاب تکنولوژیک حصول آن برای کارگران یکدرجه افسانه‌ای تر میشود. البته این تنها یک روی سکه است. طرف دیگر سکه این است که چنین مدافعانی (و دیگر فرق نمیکند راه کارگر " اردوگاه " باشد یا مندل ترتسکیست) در حقیقت امکان تحویل نظامی موحود متکی به کارمزدی و تولید کالایی - که البته خود را سوسیالیستی میدانند - به سوسیالیسم را تا زمان نامعلومی به تعویق میاندازند و با این روش بودگی مزدی کارگران و استثمار نیروی کارشان تحت حاکمیت سرما به دولتی را بدلیل اینکه ملزومات تکنیکی لازم برای الغاء آن کماکان فراهم نیست، ولذا وضعیت کنونی و غیر قابل اجتناب است، موجه جلوه میدهند.

E. Preobrazhensky, op. cit., pp. 120-121

-۲۳

-۲۴ همانجا، صفحه ۸۹

-۲۵ " ، " ۱۲۲

-۲۶ " ، " ۱۲۳

-۲۷ " ، " ۹۵

-۲۸ " ، " ۹۷

۲۹-	همانجا ، صفحه ۱۶۰
۳۰-	" ، " ۸۸
۳۱-	" ، " ۸۹
۳۲-	" ، " ۸۸
۳۳-	" ، صفحات ۱۳۶ - ۱۳۴
۳۴-	" ، صفحه ۳۴
۳۵-	" ، " ۴۸
۳۶-	" ، " ۱۷۸
۳۷-	" ، " ۱۸۲
۳۸-	" ، " ۱۳۸
۳۹-	" ، " ۶۸
۴۰-	" ، " ۳۵
۴۱-	" ، " ۱۱۶
۴۲-	" ، " ۱۹۰
۴۳-	" ، " ۱۴۷

همین درک از قانون ارزش سالها پیش از نگارش "اقتصاد نوین" توسط هیلفردینگ، اقتصاددان برجسته سوسیال دموکراسی اتریش، چنین فرموله شده بود:

"قانون ارزش [بیانگر آن] فاکتوری است [که در جامعه سرمایه‌داری] به اعتبار کمیت و کیفیت و اتکاب به ظرفیت سازماندهی و تولیدی اش حیات اجتماعی را بطور خودبخودی تنظیم میکند."

ماخذ:

[Karl Marx, And The Close of His System, Eugene Von Bohm-Bawerk, Bohm-Bawerk's Criticism of Marx, Rudolph Hilferding, Augustum, Kelley Publishers, 1973, p.133]

۴۴- رجوع کنید به متن حاضر، فصل چهارم، صفحات ۷۰ تا ۷۴

۴۵- E. Prepbrazhensky, op. cit., p.141

۴۶- K. Marx, Capital, Vol.1, p.304

۴۷- رجوع کنید به متن حاضر، فصل چهارم، صفحه ۷۴

۴۸- از جمله میتوان به این گفته مارکس در "نتایج پروسه بلا فصل تولید" اشاره کرد که محوری بودن مسئله خرید و فروش نیروی کار بعنوان پیش شرط اساسی تولید و بازتولید هر نظام سرمایه‌داری را چنین بیان میکند:

"بدین ترتیب وقتی کل پروسه تولید، و نه صرفاً تولید

بلافاصله کالا را در نظر بگیریم، پی میبریم که هرچند خرید و فروش نیروی کار (که خود موجبات تبدیل بخشی از سرمایه به سرمایه متغیر* را فراهم میآورد) بکلی از پروسه بلافاصله تولید جداست، و در واقع مقدم بر آن انجام میگیرد، اما مبنای مطلق تولید سرمایه داری را تشکیل میدهد و یک وجه وجودی آنست، ثروت مادی صرفاً به این دلیل بدل به سرمایه میشود که کارگر برای زنده ماندن نیروی کارش را میفروشد. چیزهایی که شرایط مادی [پروسه] کارند، یعنی وسایل تولید، و چیزهایی که پیش شرط بقاء خود کارگرند، یعنی وسایل معیشت، تنها بدلیل وجود پدیده کارمزدی بدل به سرمایه میگردند. سرمایه شیء نیست، همانگونه که پول هم شیء نیست. در سرمایه، همانگونه که در پول، مناسبات اجتماعی تولیدی معینی میان انسانها بصورت مناسبات میان اشیاء و انسانها ظاهر میشوند، یا بعبارت دیگر مناسبات اجتماعی معینی بصورت خواص طبیعی اشیاء در جامعه تظاهرات مییابند. وقتی افراد بمثابه اشخاص آزاد با یکدیگر روبرو گردند، یعنی بدون وجود طبقه ای وابسته به مزد، تولید ارزش اضافه ای نمیتواند وجود داشته باشد، بدون تولید ارزش اضافه هم تولید سرمایه داری بی، و در نتیجه سرمایه یا سرمایه داری نمیتواند وجود داشته باشد! سرمایه و کارمزدی (ماایسن اصطلاح را برای مشخص کردن کارگر که نیروی کار خود را میفروشد بکار میبریم) صرفاً بیانگر دو وجه یک رابطه واحدند. پول نمیتواند بدل به سرمایه شود مگر آنکه با نیروی کار، یعنی کالائی که کارگر آنرا میفروشد، مبادله گردد. متقابلاً، کارتنها زمانی میتوانند کارمزدی بشود که شرایط مادی خودش [شرایط مادی کار] بمسئورت نیروهای خود مختار، بصورت ملک** بیگانه [خودیت

* منظور سرمایه ایست که به یمن استثمار نیروی کار قابلیت تغییر، یعنی افزایش دارد.

property **

یافته)، ارزش خودبقا، و خودکفا، و در یک کلام بصورت سرمایه، با آن روبرو کردند. اگر سرمایه در وجه مادی خود، یعنی بصورت ارزش مصرفهایی که در آن موجودیت یافته است، برای موجودیت خویش بابدیه شرایط مادی کار را تکمیل کند، خود این شرایط مادی نیز بهمان ترتیب از نظر صوری باید با کار بصورت نیروهای بیگانگی [یعنی دارای موجودیت مستقل] و خود مختار، یعنی بصورت ارزش - یا کار عیشیت یافته - که کار زننده برایش صرفا وسیله‌ای برای بقا، و افزایش خویش است، روبرو کردند. بدین ترتیب کار مزدی، یعنی نظام مزدی، یک شکل اجتماعی کار کردن [Work] است که تولید سرمایه‌داری بدون آن ممکن نیست؛ درست همانگونه که سرمایه، یعنی ارزشی که از قوه افزایش برخوردار است، یک شکل اجتماعی ضروریست که شرایط مادی کار ناگزیر باید خود بپذیرند تا کار به کار مزدی بدل شود. کار مزدی بدین ترتیب یک شرط ضروری برای شکل‌گیری سرمایه و یک پیش شرط اساسی برای تولید سرمایه‌داری است. بنا بر این اگرچه پروسه مقدماتی، یعنی مبادله پول با نیروی کار، یا فروش نیروی کار، بهمان صورت خود دخلی در پروسه بلا فصل تولید ندارد، ولی در تولید رابطه [ی تولیدی سرمایه‌داری] به مثابه یک کل، کاملاً داخل است. (Capital Vol. I, Penguin Books, pp. 1005-6 همه تاکیدات در متن اصلی است)

۴۹- K.Marx, F.Engels, Selected Works,, Progress Publishers, Vol.I, pp. 161-62

۵۰- Preobrazhensky, New Economics, op. cit., pp. 194-5

این درجه از لاقیدی هیچوجه محدودیه پراژنوسکی نمیشود. شاید وی بهتر از دیگران به چنین نمونه‌هایی از لاقیدی تئوریک در زمینه اقتصاد سیاسی مارکسیستی در شوروی آندوره واقف بود. بعنوان مثال در کتاب اقتصاد سیاسی که برای آموزش در مدارس عالی از طرف حزب توصیه شده بود (۱۹۲۵)، ویه ایسن اعتبار مفاد آن را میتوان شاخصی از شعور عمومی حزب کمونیست شوروی آن زمان شوروی قلمداد کرد میخوانیم:

"اقتصاد اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی اقتصادی است در شکل، و تا حدود معینی در محتوا، کالایی - مبادله‌ای.

بعلاوه، در این اقتصاد عناصری از اقتصاد کاپیتالیستی نیز یافت میشود، در ظاهر بسیاری از قوانین و مقررات اقتصادی سیاسی بطور مستقیم در مورد آن مصداق دارند. اما در حقیقت چنین نیست، بسیاری از قوانین و مقررات اقتصادی کاپیتالیستی تحت شرایط اقتصاد اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی دچار تغییرات اساسی میشوند، و بسیاری از آنان در مورد این اقتصاد مصداق ندارند.

نویسنده کتاب، پس از طرح مقوله " ارزش اضافه سوسیالیستی " ادامه میدهد:

" ولی در جامعه پیشرفته کمونیستی نیروهای مولده از چنان قدرت پیشرفتی برخوردار شده اند که دیگر علیرغم وجود [مقوله] ارزش اضافه، خواسته های طبقه کارگر در حد غیر مترقبه ای برآورده میشود."

[ماخذ: New Economics, pp. 273-76]

- ۵۱- همانجا، صفحه ۱۵۹
- ۵۲- " ، " ۱۳۵
- ۵۳- " ، " ۱۳۶
- ۵۴- " ، " ۱۳۷
- ۵۵- " ، صفحات ۱۱-۱۱۰
- ۵۶- Alexander Erlich, op. cit., p.74
- ۵۷- Alexander Erlich, The Soviet Industrialization Debate, Harvard University Press, 1960, p.48
- ۵۸- Preobrazhensky, New Economics, op. cit., pp.160-61
- ۵۹- همانجا، صفحه ۲۵۴
- ۶۰- " ، " ۲۷۲
- ۶۱- " ، " ۲۲۳
- ۶۲- " ، " ۲۵۳
- ۶۳- " ، صفحات ۸۳-۸۲
- ۶۴- Alexander Erlich, op. cit., p.56
- ۶۵- همانجا، صفحه ۵۹
- ۶۶- Leon Trotsky, op. cit., p.339
- ۶۷- Leon Trotsky, Notes on Economic Questions, The Challenge of Left Opposition (1926-27), Pathfinder Press, p.57

R.Day, Trotsky and Preobrazhensky: The Troubled Unity of the Left —۶۸
Opposition, pp. 73-74

۶۹- همانجا ، صفحه ۸۴

۷۰- " ، " ۸۴

۷۱- " ، " ۷۴

R.Day, Leon Trotsky and the Politics of Economic Isolation, —۷۲
pp. 139-140

۷۳- همانجا ، صفحه ۱۷۱

Leon Trotsky, op. cit., p.58 —۷۴

۷۵- در آن زمان به ترتیب سمت ریاست و معاونت شورای عالی اقتصاد ملی
را بعهده داشتند.

Richard B.Day, Leon Trotsky on the Problems of the Smyckha and —۷۶
Forced Collectivization, Critique 13, 1981, p.61

R.Day, Leon Trotsky and the Politics of Economic Isolation, p.71 —۷۷

L.Trotsky, Towards Capitalism or Socialism?, P.359 —۷۸

R.Day, op. cit., p.141 —۷۹

۸۰- همانجا ، صفحه ۱۰۳

۸۱- " ، " ۹۲

۸۲- " ، " ۹۳

۸۳- " ، " ۱۷۴

۸۴- " ، " ۱۶۲

۸۵- " ، " ۱۶۳

۸۶- برای اطلاع بیشتر در این باره به "توضیحی پیرامون مباحثات درونی حزب
بلشویک (۱۹۲۲-۱۹۲۹)" و اسناد ضمیمه مندرج در بولتن مارکسیسم و مساله شوروی ،
شماره ۲، رجوع کنید .

۸۷- برای اطلاع دقیقتر از پایان غم‌انگیز "اپوزیسیون چپ" به فصول ۳۹ و ۴۰ از
جلد ۲ کتاب زیر رجوع نمایید:

E.H.Carr, Foundations of a Planned Economy 1926-29, Macmillan,
1971

R.Day, Leon Trotsky on the Problems of Smyckha and Forced —۸۸
Collectivization, p.66

فصل هفتم

Nikolai Bukharin, Historical Materialism, a system of sociology, —۱
New York, Russel & Russel Inc., 1965, p.74

- ۲- همانجا ، صفحات ۷۴-۷۵
- ۳- همانجا ، صفحه ۷۹
- ۴- " ، " ۱۱۰
- ۵- Nikolai Bukharin, The Politics and Economics of the Transition Period, Routledge & Kegan Paul, 1979, p.149
- ۶- همانجا ، صفحه ۸۶
- ۷- " ، صفحات ۹۰-۹۱
- ۸- " ، صفحه ۵۷
- ۹- Stephen F.Cohn, In Praise of War Communism: Bukharin's "The Economic of the Transition Period" in Alexander and Janet Rabinowitch (ed.), Revolution and Politics in Russia, Indiana University Press, Bloomington, 1972, p. 196
- ۱۰- N.Bukharin, op. cit., p.99
- ۱۱- همانجا ، صفحه ۱۱۶
- ۱۲- " ، " ۱۱۱
- ۱۳- " ، " ۱۱۹
- ۱۴- N.I.Bukharin, Selected Writings on the State and the Transition to Socialism, Edited by Richard B.Day, Spokesman, 1982, p.184
- ۱۵- The Communist International 1919-1943, Documents Selected and Edited by Jane Degras, Three Volumes, Volume II, 1923-28, Frank Cass & Co. Ltd., 1971, p. 162
- ۱۶- N.I.Bukharin, op. cit., p.190
- ۱۷- همانجا ، صفحه ۲۶۰
- ۱۸- " ، " ۲۶۱
- ۱۹- " ، صفحات ۲۵۳-۴
- ۲۰- " ، صفحه ۲۵۰
- ۲۱- " ، " ۱۰۲
- ۲۲- " ، " ۱۰۲
- ۲۳- Moshe Lewin, Political Under currents in the Soviet Economic Debate, 1973, pp. 91-92
- ۲۴- Alexander Erlich, The Soviet Industrialization Debate, p. 10
- ۲۵- N.I.Bukharin, op. cit., p.242
- ۲۶- Alexander Erlich, op. cit., pp. 20-21

- Stephen F.Cohen, Bukharin and the Bolshevik Revolution, A-۲۷
Political Biography, 1888-1938, New York, 1973, p. 182
- Alexander Erlich, op. cit., p.12 -۲۸
- Stephen F.Cohen, op. cit., pp. 179-80 -۲۹
- ۳۰ همانجا، صفحه ۱۷۴
- N.Bukharin, op. cit., pp. 196-7 -۳۱
- E.H.Carr, Socialism in One Country 1924-26, Volume One, Penguin-۳۲
Books, 1970, pp. 279-80
- N. Bukharin, op. cit., p. 291 -۳۳
- ۳۴ همانجا، صفحه ۲۹۰
- Stephen Cohen, op. cit., p.183 -۳۵
- Bukharin, op. cit., p.293 -۳۶
- Robert F.Miller, Soviet Agricultural Policy in the Twenties: The-۳۷
Failure of Cooperatives, Soviet Studies, Vol.XXVII, no.2 (April
1975), p. 229
- Bukharin, op. cit., p. 246 -۳۸
- E.H.Carr, op. cit., p. 234 -۳۹
- Stephen F.Cohen, op. cit., p. 196 -۴۰
- Bukharin, op. cit., pp. 204-5 -۴۱
- ۴۲ همانجا، صفحه ۲۴۰
- Robert F.Miller, op. cit., p. 233 -۴۳
- ۴۴ همانجا، صفحه ۲۲۹
- ۴۵ " ، " ۲۳۰
- ۴۶ " ، صفحات ۲۲۹-۳۰
- Bukharin, op. cit., pp. 236-38 -۴۷
- Stephen F.Cohen, op. cit., p.197 -۴۸
- Bukharin, op. cit., pp. 260-61 -۴۹
- ۵۰ همانجا، صفحه ۲۴۸
- ۵۱ " ، " ۲۴۸
- op. cit., p. 94 -۵۲
- E.H.Carr & R.Davies, Foundation of a Planned Economy 1926-1929, -۵۳
Volume one-II, The Macmillan Press Ltd., 1978, p. 948
- ۵۴ حجم تولیدات صنعتی برای سال ۱۹۲۵-۲۶ در این جدول ۱۳,۶۸۹ میلیارد

روبل برآورد شده است، حال آنکه در جدول فوق میزان تولیدات صنعتی برای همان سال ۱۱,۰۸۳ میلیارد روبل محاسبه شده است. ظاهراً الک نوووی، آج کاربایستی در محاسبه این رقم از دو مأخذ مختلف استفاده کرده باشند. بهر رو تا آنجا که به سیر بحث ما مربوط می شود تفاوت این دو جدول در آن تغییری نمیدهد. زیرا ما در اینجا با در صد افزایش سالانه - یعنی یک نسبت - سروکار داریم و بنا بر این هرگونه تفاوتی که در محاسبه ارقام این دو جدول وجود داشته باشد، در برآورد میزان نسبی سالانه برای سالهای مورد نظر ما نمیتواند تغییری ایجاد کند.

Alexander Erlich, op. cit., p. 54

-۵۵

-۵۶ همانجا، صفحه ۸۸

-۵۷ " ، " ۲۷

-۵۸ " ، " ۲۷

E.H.Carr & R.Davies, op. cit., p. 952

-۵۹

Alexander Erlich, op. cit., p. 137

-۶۰

-۶۱ همانجا، صفحه ۶۴

-۶۲ " ، " ۶۵

-۶۳ " ، " ۶۸

-۶۴ " ، " ۷۰

Nikolai Bukharin, Ten Years of Victorious Proletarian Revolution, Report made at 7th Trade Union Congress of the Moscow Government on October 12th, 1927, Belfast, pp. 31-32

-۶۵

N.Bukharin, Selected Writings, pp. 320-21

-۶۶

E.H.Carr & R.Davies, op. cit., p. 944

-۶۷

-۶۸ همانجا، صفحه ۹۴۴

N.Bukharin, op. cit., pp. 325-6

-۶۹

E.H.Carr & R.Davies, op. cit., p. 943

-۷۰

فصل هشتم

Alexander Erlich, op. cit., p. 90

-۱

-۲ همانجا، صفحه ۹۶

N.Bukharin, op. cit., p. 315

-۳

Alexander Erlich, op. cit., p. 92

-۴

-۵ - بولتن ما رکسیسم و مساله شوروی، شماره ۲، صفحات ۶۸ - ۲۶۷

۶- همانجا ، صفحه ۲۶۹

۷- Alexander Erlich, op. cit., p. 172

۸- مارکسیسم و مساله شوروی ، شماره ۲ ، صفحه ۲۷۰

۹- همانجا ، صفحه ۲۳۱

۱۰- J. Stalin, Collected Works, Foreign Language Publishing House, Moscow 1955, Vol. 13, pp. 40-41

جالب است در اینجا اشاره کنیم که سه دهه پیشتر سرگنی ویته ، وزیر اقتصاد وقت تزار ، همین نکته را بدین شکل طرح کرده بود :

" رقابت جهانی صبرش نمیشود ، اگر ما دست به یک رشته اقدامات موثر و قطعی نزنیم ، بطوریکه در اثر این اقدامات صنایع مادر طی دهه آتی در وضعیتی قرار نگرفته باشند که بتوانند از عهده رفع نیازهای روسیه و کشورهای آسیایی که تحت نفوذ ما هستند - یا باید باشند - برآیند ، در آن صورت صنایع سویرا روبه رشد خارجی موانع گمرکی ما را به زیر خواهند کشید ، نفوذشان را در میهن ما و همینطور در کشورهای آسیایی فوق الذکر تثبیت خواهند کرد و این نفوذ را تا عمیق اقتصاد ما گسترش خواهند داد . این امر ممکن است به تدریج راه را برای دخالتهای پیروزمند سیاسی دول خارجی هموار نماید ... ممکن است رشد کند صنایع ما ، انجام موفقیت آمیز وظایف خطیر سیاسی سلطنت را به مخاطره اندازد . عقب ماندگی اقتصادی ممکن است به عقب ماندگیهای سیاسی و فرهنگی نیز منجر شود . "

[ماخذ : Theodore H. Von Lane, op. cit., p. 3]

۱۱- Marx, Engels, The Socialist Revolution, Lawrence & Wishart, 1978, p. 40

مؤخره

۱- Communist Program, Organ of the International Communist Party, No. 4, April 1978, p. 50

۲- همانجا ، صفحه ۵۰

۳- Tony Cliff, State Capitalism in Russia, Pluto Press, 1974, p. 48

۴- Angus Maddison, Economic Growth in Japan and the U.S.S.R., Unwin University books, 1970. p. 159

- ۵- همانجا، صفحه ۱۶۴
- ۶- تمام اطلاعات این ستون بجز رقم مربوط به نیروی شاغل در صنعت از منبع زیر نهاده شده است:
Alec Nove, op. cit., p. 44
- ۷- تمام اطلاعات این ستون نیز بجز رقم مربوط به وسایل ماشینی از صفحه ۱۹۲ مآخذ قبلی استخراج شده است.
- ۸- همانجا، صفحه ۱۹۲
- ۹- " " ، ۲۲۶
- ۱۰- " " ، ۳۹۸
- ۱۱- G.V.Osipov (ed.), op. cit., p. 28
- ۱۲- Alec Nove, op. cit., p. 174
- ۱۳- Marx, Engels Collected Works, Volume 22, Progress Publishers, 1986, p. 491
- ۱۴- E.H.Carr & R.W.Davies, op. cit., p. 495
- ۱۵- همانجا، صفحه ۵۰۱
- ۱۶- A.Nove, op. cit., pp. 196-197
- ۱۷- Mervyn Matthews, Soviet Government, A Selection of Official Documents on Internal Policies, Jonathan Cape Ltd., 1974, p. 417
- ۱۸- A.Nove, op. cit., p. 197
- ۱۹- M. Matthews, op. cit., p. 431
- ۲۰- Nicolas Spulber, The Soviet Economy, Structure, Principles, Problems, W.W.Norton & Company. Inc., New York, 1969, p. 127
- ۲۱- طبق قانون کار ۱۹۷۰ روسیه، ساعات کار روزانه رسماً از ۷ ساعت به ۸ ساعت افزایش یافت، لکن تعداد روزهای کار هفتگی نیز از ۶ روز به ۵ روز کاهش یافت. بدین سان این بار نیز ۴ ساعت کار هفتگی، هرچند در شکلی متفاوت، برای کارگران روسیه قانوناً تعریف شد. (مآخذ: M.Matthews, op. cit., p. 444)
- ۲۲- Quoted in E.H.Carr, The Bolshevik Revolution 1917-1923, Volume 2, Penguin Books, 1984, p. 117
- ۲۳- لنین، دولت و انقلاب، اداره نشریات زبانهای خارجی پکن، ۱۹۷۵، صفحه ۱۴۱، تأکیدات در متن اصلی است.
- ۲۴- E.H.Carr, op. cit., p. 205

- Lenin, Collected Works, Progress Publishers, Volume 27, p. 315-۲۵
- Tony Cliff, op. cit., p. 68 -۲۶
- ۲۷ همانجا، صفحه ۷۰
- ۲۸ " " ، ۶۹
- این نسبت چنین محاسبه شده است: دستمزد یک کارگر ساده ۴۶۵ روبل بود و دستمزد یک متخصص ۱۸۱۱ روبل، بنابراین نسبت $4 = 3/89 = 465 : 1811$ بدست می‌آید.
- هرچند ارقام مربوط به دستمزد یک کارگر ما هر را بدست نیاوردیم نتوانیم نسبت دقیق دستمزد بین یک کارگر ما هر و یک کارگر غیر ما هر را محاسبه کنیم ولی میتوان تصور کرد که در آن سالها احتمالاً دستمزد ایندو نیز میبایست به همان میزانی که از نسبت بین دستمزد یک متخصص و یک کارگر غیر ما هر کاسته شده بود، تقلیل یافته باشد. یعنی اینکه احتمالاً نسبت دستمزد بین ایندو را از $3/7$ به $1/85$ تقلیل یافته بود.
- E.H.Carr & R.W.Davies, op. cit., p. 536 -۲۹
- Tony Cliff, op. cit., p. 69 -۳۰
- J.Stalin, op. cit., p. 59 -۳۱
- A. Nove, op. cit., p. 209 -۳۲
- Tony Cliff, op. cit., p. 70 -۳۳
- ۳۴ همانجا، صفحه ۱۹
- ۳۵ " " ، ۱۹
- Marx, Capital Volume 1, p. 694 -۳۶
- Tony Cliff, op. cit., p. 21 -۳۷
- Naum Jasny, Soviet Industrialization 1928-1952, The University of Chicago Press, 1961, p. 446 -۳۸
- Alec Nove, op. cit., p. 251 -۳۹
- در حقیقت در سالهای ۵۰ بود که ارزش واقعی دستمزد متوسط کارگر روسی دوباره به حد قبلی خود در سال ۱۹۲۸ رسید. جدول زیر بطور مختصر چگونگی افزایش ارزش واقعی دستمزد کارگر روسی در فاصله سالهای ۱۹۲۸ تا ۱۹۵۵ را نشان میدهد. ارزش واقعی دستمزدها در این جدول بصورت درصدی از دستمزد

متوسط کارگر روسی در سال ۱۹۲۸ محاسبه شده است :
جدول ۱۹: نمودار تغییرات ارزش واقعی دستمزد کارگر روسی در فاصله بین

۱۹۲۸ تا ۱۹۵۸

سال	ارزش واقعی دستمزد
۱۹۲۸	۱۰۰
۱۹۳۲/۳۳	۴۹
۱۹۳۶	۵۵
۱۹۳۷	۶۰
۱۹۴۰	۵۲
۱۹۴۸	۴۵
۱۹۵۰	۶۰
۱۹۵۲	۷۰
۱۹۵۵	۸۰
۱۹۵۸	۹۳

[ماخذ: به استثنای رقم مربوط به سال ۱۹۵۸ سایر ارقام بالا از کتاب زیر برداشته شده‌اند: Naum Jasny, op. cit., p-446]

ورقم مربوط به سال ۱۹۵۸ بر حسب اطلاعات موجود در کتاب برگسن محاسبه شده است: [Abram Bergson, The Economics of Soviet Planning, Yale University Press, 1946, p. 314]

برای اطلاعات بیشتر در مورد وضعیت دستمزد کارگران روسیه در دوران قبل و بعد از شروع صنعتی کردن سریع آن کشور توجه خواننده را به متون زیر جلب میکنیم:

J.G.Chapman, Real Wages in Soviet Russia since 1928, Cambridge Mass., 1963, cf. pp. 145-146

M.Dewar, Labour Policy in the U.S.S.R., 1917-1928, London, 1956, cf. pp. 138-140

- ۴۰- Tony Cliff, op. cit., p. 38
- ۴۱- به جدول ۱۴ در صفحه ۲۵۹ متن حاضر رجوع نمائید.
- ۴۲- Angus Maddison, op. cit., p. 100
- ۴۳- Tony Cliff, op. cit., p. 100

- E.H.Carr, op. cit., p. 201 -۴۴
- Tony Cliff, op. cit., p. 61 -۴۵
- ۴۶ همانجا، صفحه ۱۵، تاکیدات در متن اصلی است.
- M.Matthews, op. cit., p.426 -۴۷
- ۴۸ همانجا، صفحه ۴۲۵
- Tony Cliff, op. cit., pp. 22-23 -۴۹
- ۵۰ خواننده علاقمند میتواند برای مطالعه بیشتر در این زمینه به فصل اول کتاب توسی کلیف که فوقا بدان اشاره شد، رجوع نماید.
- Marx, op. cit., pp. 739-742 -۵۱
- ۵۲ ترسکی، انقلابی که به آن خیانت شد، ترجمه فارسی، صفحات ۱۷۰-۱۶۹
- ۵۳ خواننده علاقمند میتواند برای بررسی آثار، ارقام و اسناد موجود از جمله به منابع زیر رجوع نماید. واضح است که اشاره ما به این متون به معنای تأیید تفسیرات و استنباطاتی که گردآوران این اسناد در نوشته های خود طرح کرده اند نیست:
- Robert V. Daniels, A Documentary History of Communism, Vol.1, I.B.Tauris & Co. Ltd., 1985, Chapter 4, pp. 215-312
 - Ernest J. Simmons (ed.), Continuity and Change in Russian and Soviet Thought, Harvard University Press, 1955
 - Hebert Marcuse, Soviet Marxism, Routledge & Kegan Paul, 1961
 - Sheila Fitzpatrick, Cultural Revolution in Russia, 1928-1931, Indiana University Press, 1978
 - Rudolf Schlesinger (ed.), The Family in the U.S.S.R., Routledge & Kegan Paul, 1949
 - G.P. Struve, Soviet Russian Literature, 1917-1953, Routledge & Kegan Paul, 1972
 - John Newbold Hazard, Soviet Legal Philosophy, Harvard University Press, 1951
 - Mervyn Matthews, Privilege in the Soviet Union, George Allen & Unwin, 1978

غلیظ نامه
لغات قبل از مطالعه کتاب غلیظ های چایی زیر را اصلاح کنید

صفحه	سطر	غلط	درست	مجموعه	بطر	غلط	درست
۲	۱	بوکه	بو دگه	۵۹	۱۲	تسام	درست
۱۵	۲ به آخر	مزد بگیر به	مزد بگیر ، به	۶۷	۲	به	تسام
۱۹	۱ به آخر	افزودن بر آن	افزون بر آن	۶۹	۶ به آخر	لاطالات	لاطالات
۲۰	۲۰	فیطی	علفی	۷۲	۱	تصمیمات	تصمیمات
۲۱	۶	چوت	چون	۸۲	۱۵	استعماله ریگ نیک	استعماله ریگ نیک
۲۲	۲۰	دیرینه	دیرینه	۹۱	۲ به آخر	ازبای شوراها	شورای شوراها
۲۲	۲۲	مطرات	مقررات	۱۲۵	۱ به آخر	در اینجا دو	در اینجا دو
۲۲	۲	بر خودار	بر خودار	۱۲۶	۱	حالت	حالت
۲۶	۱ به آخر	چستو	چستوی	۱۶۲	۲	کما بیش	کما بیش
۲۱	۱ به آخر	پنهای	پنای	۱۶۵	۵ به آخر	قبل از	قبل از
۴۰	۲ به آخر	بروشتا ریا	بروشتا رهای	۱۹۷	۲	میبازند	میبازند
۴۲	۱۰	همزمان	همزمان	۲۲۲	۵ به آخر	به رویه	به رویه
۴۹	۱۲	به همه و ابسته	به همه و ابسته	۲۲۸	۵ به آخر	واضح	واضح
۵۱	۱۱	مشا بها	مشا بها	۲۵۲	۲	اندلوزی	اندلوزی
۵۱	۱	امریا لیم	امریا لیم	۲۸۷	۵	زنگا مل	زنگا مل
۵۲	۱۰ به آخر	کاتونگی	کاتونگی	۲۹۲	۱	نیمشد	نیمشد
۵۲	۲	فیطی اش	فیطی اش را	۲۹۶	۲	تبدیل	تبدیل
۵۲	۱۰ به آخر	لات و آلات	لاطالات				

کارگران جهان متحد شوید!

www.KetabFarsi.com

از انتشارات حزب کمونیست ایران

قیمت ۶۰۰ ریال